



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

ذهنیت مستشرقین

و اصالت مهدویت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت

نویسنده:

عبدالحسین فخاری

ناشر چاپی:

روزنامه جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	تقدیم
۶	ضرورت؟
۱۰	مهدویت اصالت دارد یا عارضه است؟
۱۲	مهدویت در قرآن
۱۸	مهدویت در روایات
۳۵	مستشرقین چه می گویند؟
۵۷	متمم‌های عاملی دیگر در انحراف مستشرقان
۶۰	قادیانیه
۶۱	بهائیه
۶۶	در سبیل حکومت جهانی توحیدی
۷۴	وضوی شهادت گرفته اید شما نگاهبانان حماسه انتظار؟
۷۹	درباره مرکز

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۹-۱۵۹۷۵

عنوان و نام پدیدآور: ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت

منشأ مقاله: روزنامه جمهوری اسلامی، (۷ آذر ۱۳۷۹) ص ۱۱

توصیفگر: کتاب ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت

توصیفگر: منتظر، حسین

توصیفگر: مهدویت

تقدیم

به پیشگاه آن انقلاب گر بزرگی که انتظار قیام شکوهمندش خود قیامی است که باطل و باطل مداران را با سفیر خشم منتظران به نابودی می کشاند: به امام بزرگواری که با ظهور پیروزمندش رسالت ناتمام تمامی انبیاء و اولیاء، کامل خواهد شد: به امام مهدی (عج)...

[صفحه ۸]

ضرورت؟

گر بگیرد جان ما را در بهای یک نظر

تا قیامت شادمان ما را از این سودا کند [۱].

در حال و هوایی، این چنین، و جو و فضائی آن چنان، شاید به فکرتان برسد که طرح مسائلی از این قبیل، ضروری که بنظر نرسد هیچ، چندان مفید هم نباشد، اما باید دانست که وقتی مبانی فکری در خطر است و دشمن در کمین و نه تنها در کمین که در کار، یعنی که در کار یاهو سرائی و استهزاء عقاید اصیل امت، در پوشش زیبای علم و تحقیق، دیگر تامل را جایز شمردن خطاست و دست را به کمر زدن و به جواب برخاستن و حقیقت را نمایاندن، از واجبات است، بویژه که عمیق ترین مبانی فکری را به حمله گرفته باشند و عینی ترین نهادهای اسلامی را به مسخره نشسته باشند. که در این هنگام عقیده در خطر است و عقیده که در خطر

[صفحه ۹]

بود، یعنی همه چیز در خطر است.

فرق است میانه آن کس که نمی داند و یا نگذاشته اند که بدانند و لاجرم حقیقت را انکار می کند و آن کس که می داند و میشناسد اما به لحاظ منافع خویش پرده پوشی می کند. هر دو می توانند خورشید حقیقت را انکار کنند و حتی می توانند با ابر مردان مبارزی که سالها

در صفوف بهم پیوسته روشنائی‌ها، تاریکی را به گلوله می‌بسته‌اند، به ستیز برخیزند و ظلمت خویش را نور و روشنی ایشان را خرافات و تاریکی نام نهند و تمامی روزنه‌های آگاهی را به روی خویش در بندند. اما در این میان موضع اولی که با دانستن حقیقت و یافتن پوچی گذشته، بی‌هیچ عذر و تامل به آغوش حق باز می‌گردد، آزادگی است و دیگری که بر انکار می‌افزاید و با تعصبات کور کورانه به پس‌کوچه‌های توجیه و انکار می‌گریزد، خیانت است. موضع این دو در بحث مهدویت باید که روشن گردد تا آزادگان بی‌خبر براه آیند و در گرد بیرق نور حلقه زده و به جمع مومنان ثابت قدم در شوند و دشمنان حيله کار شناسائی شده و در پیشگاه امت معرفی گردند تا بدین وسیله شعاع تاثیر سخنشان به صفر نزدیک شود.

رخسار بپوشند و جیهان ریاکار

گر چهر حقیقت ز پس پرده در آید [۲].

[صفحه ۱۰]

پس باید بیرق نور را در پنداشت تاریکی‌ها برافراشت تا دور افتادگان کاروان به نشانه آن باز آیند و در شب دیجور غیبت، راه گم‌کردگان با حيله طراران در هنگامه ظلمت اسیر نگردند و ناچار به چاله‌های مرگ در نیفتند. پس باید خورشید را باور داشت و از ظلمت شب نهراسید و به افق داشت که... صبح می‌دمد و خورشید می‌آید. و باید که رهبران به وظیفه خویش، راه‌نشانی و پاسداری ادامه دهند تا کاروانیان به کمند فریب کاران دچار نگردند و با دیدن نور به راه و راهروان بپیوندند. حال با قصد نقد

مستشرقان و دیگر منکران که محکم و استوار به بهانه روشنفکری و تحقیق، مهدویت را خرافه قلمداد می کنند و سنت یهودان و افسانه زرتشتیان نام می گذارند و بنیادی غیر اسلامی می خوانند، به سفری کوتاه دست می زنیم تا بنگریم که ایشان چه می گویند و سخنان تا چه حدی از حقیقت بر خوردار است و در این میان شیعه چه پاسخی دارد و در روئی با اینان که او را جاعل این عقیده می دانند چه موضعی در پیش می گیرد. و سرانجام از این نقد و تحقیق به حقیقت راه یابیم و اصل اعتقاد اسلام را در این زمینه بدست آوریم. یعنی که حرف امثال ابن خلدون، احمد امین مصری، سعد محمد حسن، خطیب، محمد عبدالله عنان و... (از اهل تسنن) و دارمستتر و گلدزیهر و مارگلی یوت از مستشرقین و از وطنی ها، کسروی و یکی دو دیگر را به نقد در کشیم و در نگریم که حرف اینان که هر یک

[صفحه ۱۱]

به نحوی رد مهدویت یا گوشه ای از آن است، چه پاسخی دارد.

اما پیش از ورود در سخن ایشان، ابتدا اصالت اسلامی بحث را روشن می داریم و به تحقیقی فنی در این بحث دست می زنیم تا با علم و اطلاع کامل به سراغ ایشان رویم. و در تمامی طول راه، خواننده عزیز را به همراهی می خوانیم و اینکه راه را نیمه کاره رها نکند تا به پیشداوریهای نامربوط گرفتار نیاید، پس باید که رنج سفری کوتاه را بر خود هموار نماید تا به حاصل آن که مسلما در شناخت نسبت به ساحت مقدس

ولی زمان و هادی دوران موثر می افتد، وصال یابد. در فصلی دیگر عامل انحراف دیگری از مستشرقان تحلیل می شود و متمهدیان به بحث کشیده می شوند. حاصل راه گذاری است به راه بزرگ حکومت جهانی توحیدی و طریقه تحقق آن. و در پایان، با هاله ای از احساس به آستان پاک امام، دست نیاز بر خواهیم برداشت. باشد که وقتی چهره حقیقت از پس پرده برون می آید، ریا کاران و ناباوران رخسار ناستوده خویش را در پوشند. همینجا زحمات ارزشمند برادر عزیز، عبدالحسین طالعی را گرامی می دارم که زحمت بخشی از این نوشتار بعهدده او بوده است و از دیگر برادران بخاطر راهنمایی های ارزنده شان، سپاسگزارم. در همه حال توفیق از خداست، و امید:

[صفحه ۱۲]

راهیابی و نزدیکی به آستان حجه الله الاعظم، روح خدائی زمان، امام عصر حجه بن الحسن العسکری (عج).

[صفحه ۱۴]

پاورقی

[۱] گلزار اصفهانی، در مجموعه «نغمه های پیروزی»، گرد آورده محمود اکبر زاده، ص ۱۶۶.

[۲] محمد تقی بهار، دیوان، جلد ۱ ص ۳۴۲.

مهدویت اصالت دارد یا عارضه است؟

سرو افراخته چون قامت رعناى تو نیست

کیست آن کو بجهان واله و شیدای تو نیست [۱].

اصل مهدویت در اسلام، باور داشت قیام رادمردی است از دودمان پیامبر، که با نیروئی خداوندی، در آخر الزمان ظهور کرده و جهان را به نیکی در آورده کران تا کران هستی را یک آئین، یک حکومت و یک قانون خواهد گزارد. با انقلاب او عدل و شادی همه جا بپراکند و اسلام و فرامینش تمامی به عمل در آید... تمامی فرق اسلامی با نام مهدی او را شناخته، ذکر و خصایصش را در نوشته های خویش به نگارش در

آورده اند. اما شیعه در این میان بیشتر به سخن نشسته، ویژگیهای فراوان تری از این انقلابگر آخر الزمان بدست داده است. او را دوازدهمین امام دانسته که زمام رهبری را پیامبر بفرمان الهی

[صفحه ۱۵]

بدیشان سپرده که اولین آنها علی (ع) و آخرینشان مهدی (ع) است، مهدی نهمین فرزند از نسل سومین امام - حسین (ع) - و همنام و هم کنیه پیامبر است. و نیز فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) و آخرین ذخیره ولایت است که بفرمان الهی ظهور خواهد کرد تا در آخرین لحظاتی که باطل می رود تا بر حق چیره گردد، استیلای کامل حق را نمایانده، عدالت را در همه جا بگسترده. شیعه مطابق سندهایش که آنها را به پیامبر و ائمه می رساند، برای آن حضرت غیبتی طولانی، قائل شده است که در آن هنگام پیروان پاک نهاد او می بایست که منتظر و چشم براه باشند تا هر گاه برون آید بیاری و همکاری او شتافته برنامه جهانش را به انجام آورند. بر این باور، این غیبت هم اکنون نیز ادامه دارد و امام زنده و آگاه اما ناپیدا از چشم مردم رهبری امت را بدوش می کشد و به وسیله نمایندگان، کار مومنان را راهبری می فرماید. پی آمد این غیبت طولانی طول عمری است دراز گونه که مخالفان را به شک و تردید در می آورد که پس از تحقیق اثری از این شک باقی نمی ماند، شیعه علاوه بر اینها، خصایص دیگری نیز برای امام طبق همان مدارک می افزاید... اکنون برای آن که توهم ساختگی بودن فکر مهدویت را از بین برده باشیم

و اینکه ساخته و پرداخته شیعه است و گروه‌های دیگر آن را باور ندارند دست به مدارک اصیل اسلامی برای اصالت یا عدم اصالت مهدویت می‌زنیم تا واقعیات روشن شوند. بر این پایه ابتدا از قرآن شروع می‌کنیم که زنده‌ترین سند قطعی

[صفحه ۱۶]

اسلام است و پس از آن به روایات نگاهی گذرا می‌اندازیم و سپس به شیوه دانشمندان سلف و اجماع علماء گذشته نظر می‌دوزیم تا اصالت را تحقیق کنیم. در همگی مراحل بیشتر تکیه بر مدارک اهل تسنن است که نمودار قطعیت همگانی این باور باشد و گاهگاه از دریای احادیث شیعه برداشته ایم. پس اینکه از قرآن شروع می‌کنیم:

پاورقی

[۱] غلام رضا قدسی، از شعر مصلح کل، در مجموعه نغمه‌های پیروزی، گرد آوری محمود اکبر زاده، صفحه ۲۴۰ تا ۲۴۴.

مهدویت در قرآن

بطور اختصار، به ده آیه از آیات قرآن نظر می‌اندازیم:

۱ - سوره صف آیه ۹... لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون... تا تمامی دین را آشکار کند، اگر چه مشرکان ناخشنود گردند. علامه ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان صفحه ۱۰۳ می‌گوید: سعید بن جبیر در تفسیر آیه فوق گفته که منظور مهدی است که از عترت فاطمه سلام الله علیها می‌باشد. [۱] یکی دیگر از علمای اهل تسنن در تفسیرش بر این آیه می‌گوید: خروج مهدی آن هنگام خواهد بود که تمامی اهل زمین یا در اسلام داخل شوند و یا دادن جزیه را بپذیرند [۲].

[صفحه ۱۷]

۲- سوره زخرف آیه ۶۱: و انه لعلم للساعة و همانا او نشانه و مقدمه قیامت است.

علامه همزاوی در کتاب مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار صفحه ۱۲۴ می گوید: مقاتل بن سلیمان و گروهی از مفسرین که در تفسیر از او تبعیت می کنند عقیده دارند که منظور از او مهدی است که در آخر الزمان (ظهورش) خواهد بود. [۳] گروه زیادی از دانشمندان گذشته و حال اهل تسنن این آیه را در مورد حضرت مهدی (ع) دانسته اند. [۴].

۳- سوره بقره آیه ۱۱۴ و مائده آیه ۴۱: لهم فی الدنیا خزی در این دنیا ذلت و خواری نصیبشان می شود. حافظ محمد بن جریر طبری در تفسیر خویش مجامع البیان جلد اول صفحه ۵۰۱ در مورد آیه بالا حدیثی بدین مضمون آورده است: خواری ایشان در دنیا بهنگام ظهور مهدی است که قسطنطنیه را فتح می نماید و ایشان را می کشد، این سر افکنندگی ایشان در دنیاست [۵].

[صفحه ۱۸]

۴- سوره قصص آیه ۵: و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و اراده کردیم تا بر ضعیف شدگان زمین منت گذاریم و ایشان را پیشوا و وارث زمین قرار دهیم. ابن ابی الحدید می گوید: مشایخ ما عقیده دارند این آیه وعده به ظهور امامی است که تمامی زمین را تصرف نموده بر کشورها استیلا می یابد. [۶].

۵- سوره آل عمران آیه ۸۲: و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها هر چه در آسمانها و زمین است، خواسته و ناخواسته تسلیم فرمان او شود. خواجه کلان قندوزی حنفی در ینابیع الموده صفحه ۴۲۱ آورده است که: رفاعه بن موسی می گوید در مورد آیه فوق

از حضرت صادق شنیدم که فرمود: هنگامی که حضرت قائم مهدی (ع) قیام کند، قطعه زمینی نمی ماند مگر آن که بانگ شهادت توحید لا اله الا الله و نبوت پیامبر محمد رسول الله در آن بلند شود - کنایه از گسترش اسلام در تمامی روی زمین و تسلیم همگان به فرمان و دین

[صفحه ۱۹]

الهی [۷] اکنون که ۵ نمونه از آیات قرآنی را که اشاره به اصالت مهدویت دارد از منابع اهل تسنن بر شمردیم، چند نمونه ای هم از شیعه مثال آوریم و سری به احادیث راویان تشیع بزنیم و توشه ای برداریم. علاوه بر آیات فوق و نمونه هائی که در ذیل می آید، شیعه ۱۱۰ آیه دیگر را که در مورد حضرت مهدی (ع) تاویل و تفسیر شده است جمع آوری نموده، علامه بزرگوار سید هاشم بحرانی در کتاب المحججه فیما نزل فی القائم الحججه متذکر این ۱۲۰ آیه شده اند و در ذیل این آیات احادیث وارده را نیز نقل نموده اند، برای اطلاع بیشتر به این کتاب ارزنده رجوع شود. [۸].

۶- سوره اسراء آیه ۸۱: قل جاء الحق و زهق الباطل... بگو حق آمد و باطل نابود گشت. امام باقر (ع): هنگامی که قائم (ع) ظهور کند، دولت باطل نابود و بر کنار می شود. [۹].

۷- سوره حج آیه ۴۱: الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور.

[صفحه ۲۰]

آنان که اگر در زمین تمکینشان دهیم و اقتدارشان بخشیم نماز را بیای می دارند و زکات می دهند، به خوبی ها فرمان می دهند می دهند و

از زشتی ها باز می دارند و پایان همه کارها بدست خداست. ابی جارود از حضرت باقر (ع) نقل می کند که فرمود: این آیه در مورد حضرت مهدی و اصحاب آن بزرگوار نازل شده است که خداوند آنها را بر شرق و غرب زمین تملک دهد و بوسیله ایشان دین را آشکار کند تا اینکه اثری از ظلم و انحراف و کجروی دیده نشود. [۱۰] مضمون همین حدیث به نحوی دیگر از امام باقر (ع) چنین آمده است این آیه در مورد آل محمد - ص - تا آخرین امام است و خداوند مهدی (ع) و اصحابش را بر شرق و غرب زمین تملک می دهد و دین را کامل نموده بوسیله او باطل و بدعت های ناروا را از بین می برد همچنانکه نادانان، حق را از بین برده بودند تا اینکه اثری از ظلم باقی نمی ماند و ایشان به معروف و نیکی ها فرمان می دهند و از منکرها باز می دارند. [۱۱].

۸- سوره حدید آیه ۱۷: اعلمو ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا

[صفحه ۲۱]

لکم الایات لعلکم تعقلون بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند. ما آیات خویش را بر شما بیان کردیم شاید تعقل کنید. ابن عباس می گوید: یعنی خداوند زمین را بوسیله قائم آل محمد، بعد از مرگش اصلاح می کند بعد از آنکه از ستم اهل کشورها پر شده است، در این هنگام، بوسیله آن حضرت آیات خویش را بر شما روشن می کنیم تا بیندیشید. سلام بر مستنیر از امام باقر نقل می کند که فرمود، خداوند به قائم (ع)

زمین را زنده می کند و او به عدل رفتار می نماید. زمین به دادگری زنده می شود پس از آنکه به واسطه ظلم ها مرده شده است. [۱۲].

۹- سوره مجادله آیه ۲۲: اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون آنان حزب خدايند، آگاه باشيد حزب الله پيروز رستگار است. پیامبر: خوشا بحال صبر کنندگان در غیبت (مهدی ع)، خوشا بحال پایداران بر محبت او. آنها کسانی هستند که خداوند در کتابش آنها را وصف نموده و فرموده (این کتاب هدایت است برای متقین، آنانکه به غیبت ایمان دارند) و نیز (آنان حزب خدايند و آگاه باشيد که حزب الله رستگار است). [۱۳].

[صفحه ۲۲]

۱۰- سوره ملک آیه ۳۰: قل ارايتم ان اصبح ماوكم غورا فمن ياتيكم بماء معين بكو اكر اين آب كه مايه حيات شماست بزمين فرو رود. كيست كه آب روان را براي تان بياورد. پیامبر به عمار ياسر فرمودند: ای عمار، خداوند پیمان بسته که ۹ امام از صلب حسین (ع) بیرون آورد، نهمین فرزند او غایب می شود و آن گفته خداست (سپس آیه بالا را تلاوت فرمود) برای او غیبتی طولانی است که گروهی ایمان خویش را از دست می دهند و گروهی ثابت قدم می مانند، پس در آخر الزمان او خارج شده زمین را از عدل آکنده می کند بر تاویل کلام خدا می جنگد آن چنان که من بر تنزیل آن می جنگیدم، ای عمار او همان من است و شبیه ترین مردم به من می باشد. [۱۴] حال که منزلی از راه را پیمودیم و اصالت مهدویت را بتمامه در قرآن یافتیم به روایات فریقین

می زنیم و راه را دنبال می کنیم:

پاورقی

[۱] احقاق الحق، ج ۱۳ تعلیقات آیه الله مرعشی بر کتاب قاضی نورالله تستری. ص ۳۷۵.

[۲] همان مدرک، صفحه ۳۷۸ و ۳۷۹.

[۳] همان مدرک، صفحه ۳۷۸.

[۴] همچون قاضی بیضاوی (متوفی ۶۹۱ یا ۵۸۵) در انوار التنزیل و علی بن برهان حلبی شافعی در سیره حلبیه، جلد ۱ ص ۲۲۶ چاپ مصر و اسعاف الراغبین ص ۱۵۶ و ابن حجر در الصواعق المحرقة ص ۹۶. به نقل از منتخب الاثر صفحه ۳۱۷ و ۳۱۸ و الامام المهدی از علی محمد علی دخیل چاپ ۱۹۶۶ صفحه ۵۶.

[۵] احقاق الحق، ص ۳۷۸.

[۶] که البته با شواهد دیگر معلوم می شود که این امام جز حضرت مهدی (ع) نمی تواند باشد که جز او سیطره حکومت هیچ کس بدین وسعت نخواهد بود. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴ صفحه ۳۳۶.

[۷] الامام المهدی دخیل، ص ۳۴.

[۸] این کتاب همراه غایه المرام فی الحججه الخصام و رساله ای دیگر بنام تبصره الولی فیمن رای القائم المهدی در قطع بزرگ به چاپ رسیده است.

[۹] بحار الانوار ج ۱۳ چاپ قدیم صفحه ۱۸ و ج ۵۱ چاپ جدید به نقل از المهدی دخیل، صفحه ۴۴.

[۱۰] المهدی زهیری، ص ۱۶۳، ینابیع الموده، ص ۴۲۵. المهدی دخیل، ص ۴۶ و ۴۷.

[۱۱] بحار، ج ۱۳ صفحه ۱۵ چاپ قدیم و ج ۵۱ و الزام الناصب ج ۱ ص ۷۶.

[۱۲] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۲۰. المهدی دخیل، ص ۵۷.

[۱۳] کمال الدین ج ۲ ص ۳۸۵. المهدی زهیری، ص ۱۶۵. المهدی دخیل، ص ۵۸.

[۱۴] کفایه الاثر، الزام الناصب، ج ۱ ص ۹۸ به نقل دخیل، ص ۵۸ و ۵۹.

باید یاد آور شد که روایات در این موضوع بحدی گسترده است که مجلدات فراوانی از کتب عامه و خاصه را در بر گرفته است و نمی توان جز به اشاره از کنار آن گذشت و جز به قدر تشنگی چشید، بر این قصد تنها گذری داریم به روایات ائمه حدیثی اهل تسنن و سپس چند حدیثی از گنجینه احادیث شیعه و ابتدا:

[صفحه ۲۳]

روایات اهل تسنن:

۱- فرائد السمطین حموی: قال (ص): من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد. هر کس خروج مهدی را انکار کند همانند آنست که به تمام آنچه بر محمد (ص) نازل شده کافر شده است. این حدیث در مجموعه های حدیثی اهل تسنن به کرات نقل شده است. [۱].

۲- صحیح ابی داود جلد ۴ ص ۸۷: عن النبی (ص) قال: لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلا منی [۲] پیامبر: اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی نماند همان یک روز را خداوند طولانی می کند تا اینکه مردی از خاندان من در آن برانگیخته شود. علاوه بر نقل فوق از صحیح ابی داود که از اکابر محدثین و دانشمندان اهل سنت است گروهی دیگر نیز این حدیث را در کتب

[صفحه ۲۴]

خویش آورده و تائید نموده اند. [۳].

۳- صحیح بخاری جلد ۲ ص ۱۷۸: قال رسول الله (ص) کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم. پیامبر: چگونه خواهید بود ما زمانیکه عیسی بن مریم بین شما نزول کند و امامتان نیز بین شما باشد. (کنایه از نزول عیسی (ع) در رکاب حضرت مهدی). [۴].

احمد بن حنبا (به نقل از ینابیع الموده ص ۴۳۳): عنه صلی الله علیه و سلم انه قال: لا- تقوم الساعه حتی تملأ الارض ظلما و عدوانا ثم یخرج من عترتی من یملاءها قسطا و عدلا [۵].

پیامبر: قیامت بر پا نمی شود تا اینکه زمین از دشمنی و ظلم پر شود که در این هنگام فردی از سلاله من خروج می کند و آن را از عدل و داد پر می کند. شبیه همین حدیث از احمد بن حنبل در جلد ۳ ص ۲۸ مسندا آمده است. [۶].

[صفحه ۲۵]

۵- مسند احمد بن حنبل ج اول ص ۸۴: قال رسول الله (ص) المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فیه لیله پیامبر: مهدی از ما خاندان است و خداوند کار قیام او را یکشبه اصلاح می کند. [۷].

برای اطلاع بیشتر از احادیث اهل تسنن در مورد حضرت مهدی (ع) به کتابهای نوشته شده در این موضوع رجوع کنید. [۸].

روایات شیعه:

مجموعه های روایی شیعه در زمینه امام مهدی (ع) بسیار گسترده است می توان به آنها رجوع نمود [۹] اما اینک چند روایت بخاطر اشاره و در جهت تکمیل روایات

[صفحه ۲۶]

اهل تسنن نقل می کنیم:.... - [۱۰] قال رسول الله - ص :- الاثمه بعدی اثنا عشر اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم، هم خلفائی و اوصیائی و اولیائی و حجج الله علی امتی بعدی المقر بهم مومن و المنکر لهم کافر. پیامبر: پیشوایان بعد از من دوازده نفرند، اولین آنها علی بن ابی طالب و آخرین آنها قائم (ع) است ایشان خلفا و اوصیاء و اولیاء من هستند و حجت های خدا بر امتم هستند

بعد از من. هر کس ایشان را بپذیرد مومن است و هر کس ایشان را انکار کند، کافر است... [۱۱].

۱. قال ابو عبد الله (ع): للقائم غبتان احديهما قصيره و الاخرى طويله، الغيبه الاولى لا يعلم بمكانه فيها الا خاصه شيعته و الاخرى لا يعلم بمكانه الا خاصه موالیه. [۱۲].

امام صادق (ع): برای حضرت قائم (ع) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز خادمان و اهل بیت آن حضرت کسی از مکان او اطلاع ندارد.

۳ - عن سعید بن جبیر قال: سمعت سید العابدین علی بن الحسین علیهما السلام یقول: فی القائم سنه من نوح (ع) و هی طول العمر (۳)

[صفحه ۲۷]

سعید بن جبیر می گوید از امام سجاد شنیدم که می فرمود: در قائم (ع) نشانه ای از نوح است و آن طول عمر می باشد.

۴ - عن امیر المومنین (ع) انه قال للحسین علیه السلام التاسع من ولدك یا حسین هو القائم بالحق، المظهر للدين، الباسط للعدل قال الحسین علیه السلام فقلت یا امیر المومنین و ان ذلك لكائن و قال علیه السلام ای و الذی بعث محمدا (ص) بالنبوه و الصطفاه علی جمیع البریه و لكن بعد غيبه، حیره و لا تثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین اخذ الله میثاقهم بولايتنا و كتب فی قلوبهم الايمان و ایدهم بروح منه. امیرالمومنین علیه السلام به حضرت سیدالشهداء فرمود نهمین فرزند تو ای حسین همان قائم حقیقی است که دین را آشکار و عدالت را گسترش می دهد حضرت امام حسین علیه

السلام سوال فرمود آیا این موضوع حتمی است؟ فرمودند: آری سوگند به آنکه محمد (ص) را به نبوت مبعوث نمود و او را بر جمیع بندگان برانگیخت حتمی است. اما ظهورش بعد از غیبتی است که غیر از خالصان از مومنان و آنانکه روح یقینی در وجودشان شعله می کشد، بر امر او ثابت قدم نمی مانند: آنانکه خداوند در باره ولایت ما از ایشان میثاق گرفته و در قلبهایشان ایمان نوشته شده و به روحی از جانب او تایید

[صفحه ۲۸]

می شوند. [۱۳].

۵- عن الحسين (ع) منا اثنا عشر مهديا اولهم امير - المومنين على بن ابي طالب (ع) و آخرهم التاسع من ولدي و هو الامام القائم باذلق يحيى الله به الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون له غيبه يرتد فيها اقوام و يثبت على الدين فيها آخرون فيودون و يقال لهم متى هذا الوعد ان كنتم صادقين اما ان الصابر في غيبته على الاذى و التكذيب بمنزله المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله (ص) [۱۴] حضرت سيدالشهدا امام حسين (ع): از ما دوازده هدايت شده (و امام) می باشد، نخستين آنها اميرالمومنين على بن ابي طالب و آخرينشان (که نهمين پشت از فرزندان من است) امام بحق حضرت قائم (ع) می باشد که خداوند بوسيله او زمين را پس از مرگش زنده می کند و تمامی حقيقت دين را بر جهان آشکار می کند اگر چه مشرکان را خوش نياید. بر او غیبتی است که گروههایی بواسطه (نبود ظاهري امام) از دين باز می گردند و گروههایی ديگر ثابت قدم می مانند ولی مورد

آزار قرار می گیرند، به آنها گفته می شود، پس چه موقع آن وعده شما خواهد بود اگر راستگو

[صفحه ۲۹]

هستید؟ اما (آگاه باشید) صبر پیشگان در غیبت او که بر اذیت ها و تکذیب ها تحمل می کنند بمنزله مجاهدین شمشیر بدست و پیشگام در کنار پیامبر خدا هستند.

۶ - عن عبد الله بن عطاء قال سالت ابا جعفر الباقر (ع) فقلت اذا قام القائم (ع) بای سیره یسیر فی الناس؟ فقال: یهدم ما قبله کما صنع رسول الله (ص) و یستأنف الاسلام جدیدا. [۱۵] عبد الله بن عطاء می گوید از امام باقر (ع) پرسیدم وقتی قائم (ع) قیام کند به چه شیوه و سیره ای در میان مردم عمل می کند؟ فرمود: همانگونه که پیامبر با (عادات جاهلیت) عمل کرد او نیز آنچه (از گردار خلاف اسلام در جامعه باشد) قبل از او از بین می برد و اسلام را نو می گرداند (بحالت بی آلایش و مطهر اولیه باز می گرداند). از جمع بندی همین معدود احادیث گذشته چهره روشن حضرت مهدی (ع) در قالب تردید ناپذیر اعتقاد اسلامی ترسیم گردید که: فرزند امام عسکری (ع) است، دوازدهمین و آخرین پیشوای اسلام است، بصورت زمان غیبتی طولانی دارد و به ضرورت این غیبت دارای عمری طولانی است، نهمین فرزند امام حسین (ع) است، ویژگی اساسی قیام او - که هر مدعی کاذبی را رسوا می کند - پاک کردن زمین از نجاست ظلم و فساد است و پر کردن آن از عدل و

[صفحه ۳۰]

داد و اسلام. منتظران او در غیبتش که شناسای واقعی او گشته اند و در ایمان خویش تزلزل پیدا

نکرده اند از مقامی بزرگ در پیشگاه الهی بهره مندند: مقام مجاهدان والا- مقام مبارز در پیشگاه رسول الله (ص). اعتراف کننده به او مومن، و مخالف و منکر او، کافر است. خواهد آمد، اگر چه تنها روزی از دنیا باقی مانده باشد و این وعده خداست و وعده خدا تخلف ناپذیر. عیسی بن مریم (ع) در قیام او از آسمان فرمود آمده، پشت سر او نماز خواهد گزارد و او را در امر سنگینش یاری خواهد داد. تمامی زمین از نیکی و داد آکنده خواهد گشت... حال که این دور نمای مسلم و قطعی و اسلامی را از روایات اصیل فریقین در موضوع مهدویت و امام حجه بن الحسن العسکری (ع) بدست دادیم، راه خویش را با پویش در عقاید اسلام در این زمینه دنبال می کنیم تا ببینیم شیوه سلف اسلامی ما در این موضوع چه بوده است، آیا باور داشته اند یا مخالف بوده اند، و اگر موافق بوده اند، در چه سطحی و چه گستره ای و به چه نحو این اعتقاد را بیان داشته اند و چه آثاری را به نگارش در آورده اند پس این ما و این اجماع نظر علما در زمینه مهدویت:

پاورقی

[۱] مانند لسان المیزان جلد ۵ ص ۱۳۰ از حافظ ابن حجر عسقلانی و القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۵۶ از ابن حجر شافعی هیتمی (متوفی ۹۷۳) و فرائد السمطين حموی (متوفی ۷۲۲) به نقل اعیان الشیعه جلد ۴ قسمت سوم صفحه ۳۵۱ چاپ قدیم و ۴۱ چاپ جدید، و احقاق الحق جلد ۱۳ ص ۲۱۳.

[۲] از اعیان الشیعه جلد ۴ قسمت سوم ص

[۳] همچون: صحیح ترمذی جلد ۲ ص ۲۷۰ که این حدیث را حس و صحیح شمرده است) و صواعق المحرقة ابن حجر، ص ۹۷ و اسعاف الراغبین ص ۱۴۷ و نور الابصار ص ۲۲۹. به نقل از کتاب ارزنده المهدی مرحوم آیه الله سید صدرالدین صدر صفحه ۱۴ و ۱۵.

[۴] به نقل از الامام الهدی علی دخیل، ص ۶۴.

[۵] المهدی مرحوم صدر، ص ۱۶.

[۶] الامام المهدی علی دخیل، ص ۶۶.

[۷] عین این حدیث را حافظ ابن ماجه قزوینی در سنن المصطفی جلد ۲ ص ۵۱۹ بخاری در تاریخ الکبیر جلد یک ص ۳۱۷ و حافظ ابونعیم در حلیه الاولیاء جلد ۳ ص ۱۷۷، و هفده نفر دیگر از اعلام اهل تسنن نقل کرده اند. (به نقل از احقاق الحق ج ۱۳، صفحه ۱۲۳ - ۱۱۹).

[۸] مانند: المهدی مرحوم صدر - احقاق الحق، ج ۱۳، - الامام المهدی دخیل - المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه و الامامیه دو جلد نوشته نجم الدین عسکری - منتخب الاثر صافی گلپایگانی - کشف - الاستار حاجی نوری و...

[۹] همچون کتاب کافی، کتاب الحججه، کمال الدین و تمام النعمه، غیبت نعمانی، غیبت شیخ طوسی، من هو المهدی، الزام الناصب.

[۱۰] کمال الدین، ج ۱ ص ۲۵۹.

[۱۱] اصول کافی، ۲ - مترجم - ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

[۱۲] کمال الدین، ص ۵۲۴.

[۱۳] بحار الانوار، ج ۵۱ نظر اجماعی علماء اسلام در بحث مهدویت

علی رغم آنچه مستشرقان گفته اند - و دیگران از تابعین ایشان - اهل تسنن به احادیث مهدی، آن چنانکه گوشه ای از آن را در فراز پیشین دیدید، توجه بسیار کرده و اکثر ایشان این احادیث

در کتابهای و مجموعه های روایی خویش متذکر شده اند و احادیث مهدی را صحیح و حسن [۱] نیامده اند که جای هیچگونه تردید و عیب جوئی از این روایات از دیدگاه علم الحدیث باقی نمی ماند. بویژه که راویان این احادیث نیز طبق نقل ایشان کسانی از صحابه و تابعین [۲] هستند که سخن آنها مورد وثوق و اطمینان است و از دیدگاه برادران اهل تسنن جای اشکال نیست: علی محمد، علی دخیل در کتاب ارزشمند خویش الامام المهدی (ع)، نام ۵۰ نفر از صحابه را که حدیث مهدی (ع) را نقل نموده اند با ذکر نام کتاب و صفحه ای که حدیث آنان آمده،

ذکر می کند (که علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه زهرا (ع)، سلمان، ابوذر، حذیفه، عایشه، ابن عباس، ابوسعید خدری، ابویوب انصاری، جابر بن عبدالله انصاری، عمار یاسر، عمر بن خطاب، معاذ بن جبل و... جزء آنان هستند) و پس از آن نیز از ۵۰ نفر دیگر از تابعین، بهمان کیفیت نام می برد (که ابراهیم بن علقمه، ابونضیره، اصبع بن نباته، جابر صدفی، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس الهلالی، طاووس یمانی، محمد بن حنفیه، معلی بن زیاد و... عده ای از آنها می باشند). [۳] و با این ترتیب، پژوهش گری صادق، بخوبی در می یابد که چه بنیان محکمی در قبول داشت اصل مهدویت و قیام حضرت مهدی (ع) در آخر الزمان، در احادیث پیامبر وجود دارد. از این که فراتر رویم و کند و کاوی در کتب حدیثی برادران اهل تسنن کنیم به حقایق تازه تری دست می یابیم و می نگریم که ۱۴۴

نفر از دانشمندان و اعلام عامه در معاجم حدیثی و یا در کتب تفسیر خویش، احادیثی از پیامبر در روشن سازی انقلاب مهدی (ع) نقل نموده اند [۴] که ما تنها به چند تائی از آنها یا قید نام کتاب و شماره صفحه ای که حدیث در آنها آمده فقط اشاره می کنیم: [۵].

[صفحه ۳۳]

الاتحاف بجب الاشراف شبراوی ص ۶۸ الاصابه عقلانی ج ۷ ص ۳۰ التاریخ بخاری به نقل از سنن ابن ماجه جلد ۲ ص ۵۱۹ تیسیر الوصول شیبانی جلد ۴ ص ۱۸ تفسیر الدر المنثور سیوطی جلد ۶ ص ۵۶ ذخائر العقبی طبری ص ۱۵ سبائك الذهب سویدی ص ۷۸ شرح صحیح ترمذی ابن عربی جلد ۹ ص ۷۷ فتح الباری عسقلانی جلد ۶ ص ۳۸۵ فتوحات اسلامیة دحلان جلد ۲ ص ۳۲۲ کشف الظنون خلیفه جلد ۱ ص ۸۹۴ المستدرک علی الصحیحین حاکم جلد ۴ ص ۴۶۵ مسند احمد بن حنبل جلد ۳ ص ۴۸ مفتاح کنوز السنه محمد فواد ص ۴۸۴ معجم البلدان حموی جلد ۶ ص ۱۷۵ مرحله ای از این فراتر، آنست که گروهی دیگر از این دانشمندان، به این موضوع آن قدر اهمیت داده اند که فصلی از کتابهای خویش را به موضوع مهدی (ع) و غیبت، علائم ظهور، دولت، مدت بقاء و دیگر ویژگیهای آن حضرت اختصاص داده اند برای نمونه گروهی از ایشان:

[صفحه ۳۴]

ابن طولون در کتاب الاثمه الاثنی عشر برزنجی در کتاب الاشاعه صبان در کتاب اسعاف الراغبین سبط بن جوزی در کتاب تذکره خواص الامه سمهودی در کتاب جواهر العقدين عبدالملک عصامی در کتاب سمط النجوم العوالی ابن حجر در کتاب الفتاوی الحدیثه

حموینی شافعی در کتاب فرائد السمطین شبلنجی در کتاب نور الابصار شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر [۶] ملاحظه صبر و شکیبائی خواننده این مختصر را نموده این فهرست ها را مختصر تر می کنیم تا طاقت ادامه راه نیز باشد، اما چه کنیم که باز فکر اینکه گروهی بی خبر و یا مغرض پیدا شوند و بگویند مهدویت ساخته و پرداخته شیعه است! ما را به ادامه راه رهنمون می کند، زهی انصاف! حتی پاره ای از این دانشمندان، تاریخ ولادت امام (ع) را بطور دقیق در کتابهای خویش آورده جای ابهامی باقی نگذاشته اند: برای نمونه ابن طولون دمشقی حنفی در الشذورات الذهبیه صفحه ۱۱۷) طبع بیروت) می گوید:

[صفحه ۳۵]

... دوازدهمین ایشان فرزند او [یعنی حضرت عسکری (ع)] محمد بن الحسن، یعنی همان ابوالقاسم محمد بن الحسن بن علی الهادی آخرین امام است، ولادت او روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ واقع شد و هنگام وفات پدر، پنج ساله بود. [۷] و نیز ابن خلکان در وفیات الاعیان جلد یک صفحه ۵۷۱ می گوید: در مورد محمد بن الحسن المهدی: ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود [۸]... ابن سبط جوزی نیز در تذکره الخواص صفحه ۲۰۴ می گوید: محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب کنیه اش ابو عبدالله و ابوالقاسم. حجت خدا صاحب - الزمان، قائم و منتظر و آخرین امام. [۹] و برخی دیگر به همین ترتیب به ولادت آن حضرت اشاره نموده که امکان تطبیق با هر مدعی دیگر را

در مهدی منتظر از بین می برد. [۱۰].

[صفحه ۳۶]

آقای علی دوانی در کتاب ارزشمند دانشمندان عامه و مهدی موعود، نظرات ۱۱۵ تن از دانشمندان عامه را با قید مدرک در قبول داشت اصل مهدویت و حضرت محمد بن الحسن (عج) آورده اند. [۱۱] در آخر این فراز، لازم است تا روشنگری را به اتمام رسانیده، نظر محققین را به این موضوع جلب کنیم که موضوع تنها با شواهد فوق که از لابلائی کتب برادران اهل تسنن نشان دادیم، پایان نمی پذیرد. موضوع جالبتر آنست که افراد زیادی از این دانشمندان، اصولاً- کتاب هائی مستقل در این موضوع به نگارش آورده اند که در آنها صرفاً مسئله مهدی (ع) را به بحث کشیده اند و شواهد اصالت آن را بیان کرده اند. این مطلب بسیار شایان توجه است: اینکه اعتقاد اسلامی در موضوع حضرت بقیه الله (عج) آن چنان مسلم و روش است و مهم که دانشمندان وظیفه خویش دیده اند تا با نوشتن کتاب هائی خاص در این موضوع، اذهان عامه را روشن کنند. در ختام این فراز نظر شما را به نام چند کتاب از این کتب جلب می کنیم: [۱۲] کتابهای اهل تسنن خاص موضوع مهدی (ع):

[صفحه ۳۷]

۱- ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون احمد بن صدیق بخاری

۲- احوال صاحب الزمان سعدالدین حمودی

۳- اخبار المهدی حماد بن یعقوب رواجنی

۴- اربعین حدیث فی المهدی ابی العلاء همدانی

۵- اربعین حدیث فی المهدی حافظ ابی نعیم اصفهانی

۶- البیان فی اخبار صاحب الزمان حافظ گنجی شافعی

۷- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان متقی هندی

۸- تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر

۹ - تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان کمال پاشا حنفی

۱۰ - تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان متقی هندی

۱۱ - التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسیح قاضی القضاہ شوکانی

۱۲ - جمع الاحادیث الواردة فی المهدی ابی بکر بن خثیمه

۱۳ - الرد علی من حکم و قضی ان المهدی الموعود جاء و مضی ملا علی القاری

۱۴ - رساله فی الاحادیث القاضیه محمد بن اسماعیل بخروج المهدی صنعانی

[صفحه ۳۸]

۱۵ - رساله فی المهدی صنعانی

۱۶ - العرف الوردی فی اخبار المهدی جلال الدین سیوطی

۱۷ - العطر الوردی فی شرح القطر الشهدی فی اوصاف المهدی جلال الدین سیوطی

۱۸ - عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر یوسف مقدسی شافعی

۱۹ - فوائد الفکر فی المهدی المنتظر مرعی المقدس حنبلی

۲۰ - المهدی ابی داود سجستانی و...

شیعه

حال که تصویر کاملی از اصالت اعتقاد به حضرت محمد بن الحسن (عج) در اعتقادات و نوشتجات مختلف برادران اهل تسنن بدست دادیم، اشاره ای نیز به شیعه داشته باشیم. پیدا است که شیعه بخاطر تقدمش در جمع آوری احادیث پیامبر و ائمه در این زمینه پیشگام است و از لحاظ متون بسیار غنی است، تا جائیکه حتی پیش از میلاد امام مهدی (ع) بر اساس احادیث پیامبر آن قدر اعتقاد به او روشن بوده است که ملا در مورد غیبت آن حضرت که یکی از ویژگیهای اوست کتابهای متعددی نگاشته شده است. این حتی می رساند که انتظار تحقق پیوستن مواعید پیامبر و ائمه در شخص حضرت محمد بن الحسن (ع) از پیش از تولد او در وجود شیعه شعله ور بوده است. برای

نشان دادن این موضوع نام چند کتاب در مورد غیبت امام مهدی (عج) که پیش

[صفحه ۳۹]

از تولد آن حضرت نوشته شده است نام می بریم:

- ۱ - الغیبه از علی بن عمر اعرج کوفی (عصر امام موسی کاظم ع) [۱۳].
- ۲ - الغیبه ابراهیم بن صالح انماطی (عصر امام موسی کاظم ع) [۱۴].
- ۳ - الغیبه علی بن حسن طایی طاطری (عصر امام موسی کاظم ع) [۱۵].
- ۴ - الغیبه حسن بن علی بن حمزه سالم (عصر امام موسی کاظم ع) [۱۶].
- ۵ - الغیبه عباس بن هشام ناشری (عصر امام جواد) متوفی ۲۲۰ هـ. [۱۷].
- ۶ - الغیبه ابواسحاق ابراهیم نهاوندی (عصر امام جواد و امام هادی و عسکری). [۱۸].
- ۷ - الغیبه علی بن حسن بن فضال (عصر امام جواد و امام هادی و عسکری متوفی ۲۲۴ هـ). [۱۹].

[صفحه ۴۰]

۸- الغیبه از فضل بن شاذان نیشابوری (عصر امام جواد و امام هادی و عسکری متوفی ۲۶۰). [۲۰].

که با در نظر گرفتن فضای خفقان آور دوران خلفای عباسی و جلوگیری شدید آنها را شیوع تفکر مهدی به ارزش این کتابها که علی رغم همه این جلوگیری ها نوشته شده پی می بریم و نیز آثار دیگر این پیشتازان در این موضوع مبین اهمیت ویژه این بحث است. چون دیدگاه شیعه در موضوع امام مهدی (ع) کاملا روشن و منابعتش در دسترس و فراوان است خواننده را با توضیحی در مورد کتابنامه به منبعی غنی ارجاع می دهیم تا بر اساس آن، با رجوع به کتب نوشته شده در این موضوع اطلاعات لازم را بدست آورد.

کتابنامه

کتابنامه امام مهدی (ع) نام کتابی است که از ۳۵۵ کتاب و رساله که در مورد حضرت مهدی

(ع) نگاشته شده است نام برده چه از اهل تسنن و چه از علمای امامیه. و می توان فهرستی از کتاب هائی که مستقلا پیرامون حضرت مهدی (ع) از دورترین ایام تا زمان حاضر نوشته شده و نیز کتاب هائی که بخشی از آنها در مورد آن حضرت است در آنجا دید. و تازه این همه کتابها نیست، و تنها کتاب هائی جمع آوری شده که بدست آمده، اما کتاب هائی که هنوز شناخته نشده یا شناخته شده ولی در دست نیست بسیار زیاد است...

[صفحه ۴۱]

که از این تعداد، بیش از دویست کتاب و رساله از عربی و فارسی از عامه و خاصه مستقلا پیرامون امام مهدی (ع) است... [۲۱].

اگر چه نتیجه این سیر، خود بدست آمد، و اصالت اسلامی این فکر روشن شد بد نیست سخن را در این فصل با فتوای علمای فعلی حجاز که از طرف مجله رابطه العالم الاسلامی [۲۲] به امضای مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی یعنی محمد منتصر کنانی است به پایان بریم. تا معلوم شود فتوای علمای فعلی اهل تسنن نیز چیزی با علمای قبلی شان تفاوت ندارد: حفاظ احادیث و بزرگان دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مهدی مشمل بر احادیث صحیح و حسن است و مجموع آن متواتر می باشد اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمانی واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می شود و جز افراد نادان و بی خبر یا بدعت گزار آن را انکار نمی کنند. [۲۳].

آری:

خروج امام لا محاله واقع

يقوم على اسم الله و البركات

[صفحه ۴۲]

يميز فينا كل حق و باطل

و يجزي على النعماء

آمدن امامی از شما بدون شک وقوع می یابد و با نام و برکات خدا قیام می کند او هر حق و باطلی را میان ما از هم جدا می سازد و پاداش هر کار نیک و بدی را می دهد

[صفحه ۴۴]

پاورقی

[۱] دو اصطلاح در دانش حدیث شناسی (علم الحدیث) برای نوعی از احادیث: حدیث صحیح حدیثی را گویند که تمامی سلسله روای آن تا خود پیامبر، اشخاصی عادل، مطمئن و قابل اعتماد کامل باشند و هیچگونه نارسائی و عیبی در آن حدیث نباشد. (علوم الحدیث و مصطلحه از دکتر صبحی صالح چاپ پنجم، ص ۱۴۵) و حدیث حسن حدیثی را گویند که در بین راویان آن فرد متهم به دروغگوئی نباشد و مورد قبول همه علماء قرار گرفته باشد و فقهاء آن را استعمال کنند (علوم الحدیث لابن صلاح، چاپ دوم، ۱۹۷۲، ص ۲۶). این دو اصطلاح را طبق نظر محدثین اهل تسنن معنی کردیم، برای آنکه تعریف شیعی این اصطلاحات را هم دیده باشید به کتاب الوجیزه فی الدرایه شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) از انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی ص ۵ مراجعه کنید.

[۲] صحابه کسانی هستند که دوران پیامبر - ص - را درک کرده از فیض وجودی آن حضرت بهره برده اند و مطالبی را از آن بزرگ نقل نموده اند. تابعین کسانی هستند که پیامبر را ندیده اول ولی صحابه را دیده و سخنان آن حضرت را با واسطه صحابه نقل کرده اند.

[۳] الامام المهدی، صفحه ۱۱۴ تا ۱۲۱.

[۴] که مسلماً این عدد، عدد آخر و قطعی نیست و با پژوهش بیشتر، الزاماً مدارک دیگری اضافه می شود.

[۵] همان کتاب،

[۶] همان کتاب، صفحات ۳۰۷ تا ۳۰۹.

[۷] احقاق الحق، ج ۱۳ ص ۸۸.

[۸] همان کتاب، ص ۸۹.

[۹] همان کتاب، ص ۹۰.

[۱۰] همچون: ابن صباغ در فصول المهمه، ص ۲۷۴. ابن حجر هیتمی در صواعق ص ۱۲۴. کمال الدین محمد شاعی در مطالب السوول، ص ۸۹. علامه حمزوی در مشارق الانوار، ص ۱۵۳. و شیلنجی در نور الابصار، ص ۲۲۹. علامه شبرای شافعی در الاتحاف بحب الاشراف، ص ۶۸ و... (احقاق الحق، ج ۱۳ ص ۸۸ تا ۹۷ و دخیل، ص ۱۲۲).

[۱۱] دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی، ۱۳۵۳، دار الکتب الاسلامیه. توصیه می شود در این موضوع، به این گردآوری ارزشمند مراجعه شود.

[۱۲] الامام المهدی، ص ۳۰۳ به بعد.

[۱۳] رجال احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰ هـ)، ص ۱۹۴.

[۱۴] قاموس الرجال شیخ محمد تقی تستری، جلد سوم ص ۱۹۳.

[۱۵] همان کتاب، ج ۶ ص ۴۵۲.

[۱۶] همان کتاب، جلد ۳ ص ۱۹۳.

[۱۷] رجال نجاشی، ص ۱۹۳.

[۱۸] الفهرست شیخ طوسی، چاپ سوم (۱۳۸۰ نجف)، ص ۲۹.

[۱۹] رجال نجاشی، ص ۱۸۱.

[۲۰] رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۰.

[۲۱] کتابنامه امام مهدی (ع)، صندوق پستی ۲۲۲۳: چاپ دوم ۱۵ شعبان ۱۳۹۸.

[۲۲] که زیر نفوذ افراطی ترین جناحهای اسلامی (یعنی وهابیان) قرار دارد.

[۲۳] ناصر مکارم شیرازی مسئله انتظار، موسسه مطبوعاتی هدف. صفحه ۲۳، متن کامل فتوای علمای حجاز و مفصل استدلال های ایشان را در این زمینه آورده اند. (ص ۱۸ تا ۳۰).

[۲۴] از اشعار دعبل خزاعی، شاعر آزاده شیعی در پیشگاه حضرت ثامن الائمه امام علی بن موسی الرضا (ع). که پس از آنکه اشعاری را بر امام (ع) خواند حضرت پس از گریه فراوان فرمود:

نطق روح القدس بلسانک... در این کلمات روح القدس از زبان تو، لب به سخن گشوده است...

کشف الاستار، ص ۴۶.

ص ۱۱۰.

مستشرقین چه می گویند؟

بسا کسان به زمانها که بر پیمبرها

شدند منکر و دیدند عاقبت کیفر [۱].

موضوع این نیست که چند تنی از نویسندگان و یا مستشرقان، در نوشته های خویش بشکلی در اعتقاد مهدویت و امامت حضرت محمد بن الحسن العسکری (عج)، خدشه وارد نموده، به انکار برخاسته اند، موضوع مهم این است که چه عواملی باعث شده تا این عده بر خلاف نصوص قرآن و روایات معصومین و اجماع دانشمندان فریقین، به اظهار چنین نظری قیام نموده اند. بررسی علل صدور چنین نظری از جانب ایشان می تواند که راهگشای ما در نقد منکران و شناخت ریشه های انحراف این گروه باشد. پس اینک در سخنان ایشان گذری کنیم تا پس از آن نشان دهیم که حتی سنگهای ستبری که بر خلاف مسیر رودخانه هستی

[صفحه ۴۵]

بایستند و بخواهند با جریان طبیعی آب به مبارزه برخیزند، سرانجام خواهند شکست و ذره های وجودی آنها، در سیلان پر خروش آبها و یا آبرفتها، گم خواهد شد، این فلسفه حق است که می ماند و آن فلسفه باطل است که می رود. [۲] آن چنان که منکران نبوت در تاریخ گم شدند و عاقبت کیفرشان را دیدند. و بزرگترین کیفرشان این بود که راه انبیا پس از ایشان نه به خاموشی گرائید، بلکه فروزش اشعه های تابناک آن بیشتر شد. و اینگونه اند وارثان انبیاء و اینگونه است راه اصیل و اسلامی مهدویت. پس اینک به سخنان منکران چشم می دوزیم: یکی از نویسندگان وطنی نوشته است: مهدی گری

افسانه است... می گویند: در ادیان دیگر منتظر منجی هستند. می گویم: آنها نیز افسانه اند [۳] بی گمان در زمان بنیانگذار اسلام سخنی از مهدی در میان نبوده و نباید می بود [۴] مهدویت را ایرانیان بین مسلمانان انداخته اند [۵] و امام حسن عسکری فرزندی نداشته [۶]، چگونه تواند بود کسی فرزندی داشته باشد و کسی از آن آگاه نباشد [۷].

[صفحه ۴۶]

یکی از نویسندگان عرب که بنام دفاع از اتحاد و طرف دارای از همبستگی مذاهب اسلامی کتابی در رد شیعه نوشته است! در اشاره به موضوع مهدی می گوید: (امام دوازدهم) شخصیت موهومی است و به دروغ به امام حسن عسکری - که بدون فرزند مرد - نسبت داده شده... و علوین معاصر امام عسکری (ع) از اینکه امام حسن عسکری (ع) با فرزند پسری از دنیا فوت کرده باشد، خبری ندارند. [۸] دیگری از مهدویت و مهدی بعنوان اسطوره، خیال - بافی و نشانه جهل و تعصب نام می برد: اسطوره مهدی، از این میان قوی ترین و دوراثرترین اسطوره است و می دانیم که شیعه دعوت دینی و سیاسی - شان را بر اساس بعضی از این اساطیر و خیال بافیها، گذاشته اند [۹] و پس از آن نتیجه گیری می کند: بهر حال این افسانه جز در میان قبایل جاهل و متعصب شمال آفریقا و قبایل متمایل به بت پرستی، طرفداری نداشته است [۱۰] دو نویسنده دیگر عرب، احمد امین بک و سعد محمد

[صفحه ۴۷]

حسن در دو کتاب خاص این موضوع با بررسی تاریخ مهدویت و مدعیان مهدویت از فاطمیون گرفته تا قیام مهدیب سودانی و انحرافات که این

مدعیان مهدویت در جوامع اسلامی با آشوب‌ها و شورش‌های خود بوجود آوردند نتیجه‌گیری می‌کنند که اساساً اندیشه مهدویت بنیان محکمی در اسلام نداشته، احادیث آن ضعیف و منفرد است. [۱۱] بعضی مردم در زمینه مهدویت، اندیشه‌های خرافی عجیبی دارند مانند وقت تعیین کردن برای ظهور از روی حساب جمل و ابجد و خلاصه عقیده شیعیان در هیچ قسمت مطابق واقع نیست. چه در مورد مهدویت و چه غیبت و چه معصوم بودن امامان و [۱۲]... ابن خلدون احادیث مهدی را فقط از نظر سند روایات تضعیف کرده در حالیکه از نظر عقلی نیز تضعیف شده‌اند. [۱۳].

[صفحه ۴۸]

در ریشه‌یابی سخن این نویسندگان، به این مطلب واقف می‌شویم که منشاء غالب سخنان ایشان حرفهای چند تنی از مستشرقین از یک سو و دیدگاههای ابن خلدون از سوی دیگر بوده است. برخی از آنان به این تقلید اعتراف نموده‌اند [۱۴] و برخی دیگر شاید شجاعت این کار را در خود ندیده در پرده ابهام باقی گذارده‌اند. در نتیجه، نگاهی گذرا به نوشته‌های مستشرقین و سپس دیدگاه این خلدون، راه را برای نقد این افکار هموار می‌کنیم و نشان خواهیم داد که نظر مستشرقین نیز، غیر از اجتهاد‌های خاص خودشان که لازمه استشراق آنهاست، غالباً از افکار ابن خلدون مایه گرفته است. یکی از اینان که شاید زودتر از بقیه مأموریت یافت تا درباره مهدویت تحقیق کند، فردی بنام دارمستتر [۱۵] شرق‌شناس جهود نژاد فرانسه که درگیر و دار جنگهای یکی از مدعیان مهدویت در سودان بنام محمد احمد سودانی (۱۸۳۴ - ۱۸۸۵) با ارتش

انگلیسیان و مصرین که نظر جهانیان را بخود جلب کرد و نام او را به اروپا و دیگر جاها رسانید، مامور شد که حسن کنجکاوی فرانسویان را در مورد انگیزه روی کرد مردمان به عقیده مهدویت در تالار سوربون پاریس با سخنرانی خویش ارضاء کند.

[صفحه ۴۹]

حاصل این سخنرانی او (در هشتم فوریه ۱۸۸۵)، کتابی شده است بنام مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری که به فارسی نیز ترجمه شده است. [۱۶] وی می گوید: این اعتقاد که نخست در دیانت یهود بوده و عیسویت را بوجود آورده است فقط وقتی در دیانت یهودان و عیسویان بصورت نهائی در آمد که تحت تاثیرات اساطیر ایرانی واقع شد... مسلمانان در خصوص اعتقاد به ظهور منجی اصول عیسویان را پذیرفته اند. [۱۷] و بعد اضافه می کند: این نخستین دفعه بود که یکی از افسانه های معروف ایرانی که در علم الاساطیر دیده می شود در اسلام دخل شد. [۱۸] حسن (ع) که امام یازدهم بود پس از مرگ خود پسری باقی گذاشت شش ساله بنام محمد (ع). خلیفه آن پسر را در شهر حله نزدیک خود به زندان افکنده بود در ۱۲ سالگی غایب شد و چون او تنها باقیمانده نسب مستقیم پیغمبر بود عامه چنین نتیجه گرفتند که این کودک در ساعتی که بخواهد ظهور خواهد کرد. [۱۹].

[صفحه ۵۰]

مستشرق دیگری، در همین زمینه می گوید: احادیث را هر گونه تفسیر کنند، دلیلی قانع کننده در دست نیست که تصور کنیم پیغمبر اسلام، ظهور یک مهدی را برای احیاء، تحقق، اکمال و تقویت اسلام، لازم و حتمی شمرده باشد. [۲۰] گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱)، که

به گمان بعضی بنیانگذار اسلام شناسی در اروپاست با مختصر تغییر، حرف هائی شبیه حرفهای هم مسلکان خویش دارد: اندیشه مهدی که در اصل به عناصر یهودی و مسیحی بر می گردد، بعضی ویژگیهای سائوشیانت زردشتی به آن اضافه شد چنانکه اذهان خیال پردازان نیز به آن مطالبی افزود و عقیده مهدی مجموعه اساطیر شد... و احادیثی به پیامبر (ص) نسبت دادند که اوصاف دقیق مهدی (ع) در آن تصویر شده بود در حالیکه این احادیث به هیچ وجه در تالیفاتی که احادیث صحیح در آنهاست نیامده. [۲۱].

[صفحه ۵۱]

و متاسفانه، نویسندگان بعدی دایره المعارف ها و انسیکلو - پدی ها، نیز تقلید وار، حرفهای این افراد را تکرار کرده اند، بدون آنکه به تحقیق عمیق در این موضوع پردازند. [۲۲] و بالاخره عبدالرحمن ابن خلدون اشبیلی (۷۳۲ - ۸۰۸ه)، در کتاب مشهور خویش مقدمه فصلی را با عنوان داستان آن مرد فاطمی و آنچه مردم درباره او می گویند و روشنگری درباره آن شروع نموده و درباره المهدی بالله سر سلسله فاطمیون مصر که از ۲۹۶ تا ۵۶۷ بر مصر و شمال آفریقا فرمان روائی داشتند و با شکست اغلبیان که سنی بودند به سال ۳۰۳، حکومت شیعی را با بنا نهادن شهر مهدیه بنیان گزاردند، به بحث نشستند و در این میان به مناسبت یابی مناسبت به بحث درباره مهدی و مهدویت پرداخته بنحوی مبهم و غیر قابل قبول، در احادیث مهدویت جرح کرده، بنظر می رسد تمام احادیث مهدی را برای خراب کردن مهدی فاطمی: المهدی بالله تخطئه می کند، در عین حال لابلای سخنانش، باز اعترافاتی به اصل مهدویت دارد. [۲۳]

دادیم با توجه به فراز گذشته مجموع سخنان ایشان را چنین دسته بندی می کنیم:

۱ - مهدویت افسانه است، اسطوره است و خیال بافی است و از اساطیر یهودیان و زرتشتیان و مسیحیان وارد اسلام شده است و شیعه بدان بال و پر داده است.

۲- احادیث مهدی ضعیف است و در روایان این احادیث شک و تردید است و این روایات به حد اطمینان نیست.

۳ - امام عسکری فرزندی نداشته و اگر داشته قضیه مبهم است و خلاصه با عقل سازگاری ندارد.

اگر چه در سیر نخستین خویش پاسخ تمامی این فرازها را آوردیم و روشن ساختیم که دعوی اینان نه پایه ای از تحقیق دارد و نه نشانه ای از راستی، اما اینک نیز اضافه می کنیم:

الف - افسانه و اسطوره و خیال تنها در ذهن جای دارند و پا از این مرحله فراتر نمی گذارند، ذهنیت هستند نه واقعیتی اصیل. و لابد که می دادند پیامبر - ص - آن قدر از مهدویت سخن گفته است و به آن نوید داده است که دیگر جایی برای انکار آن و ذهنی شمردن آن نمی ماند مگر آن که خود نبوت را هم افسانه پندارند! هم آنان که مخترع این فکرنند و هم آنان که با رونویسی افکار ایشان زحمت خویش را کم کرده اند، همان کسانی هستند که از بستن هر نوع تهمت به معتقدات یک آئین کوتاهی نمی کنند،

مهدویت را ساخته و پراخته شیعه می دادند بدون آن که حتی به قطعی ترین متون اسلامی رجوعی کرده باشند، اعتقاد به مهدی را که

فراگیر همه فرق اسلامی است و در قرآن و روایات اشاره های فراوان به آن شده است نادیده انگاشته در کمال شجاعت! می گویند: بی گمان در زمان بنیانگذار اسلام سخنی از مهدی در میان نبوده و نباید می بود و لابد که به کفر ایشان همین جمله پیامبر کفایت می کند که: هر کس خروج مهدی را انکار کند همانند آن است که به تمام آنچه بر من نازل شده کافر شده است [۲۴] و سخن چنین کسی - منکر مهدویت - چه تاثیری در اعتقاد مومنان می تواند که فراهم آورد؟ استاد محمد جواد مغنیه در کتاب خویش، [۲۵] پس از آن که از سه کتاب صحیح از صحاح سته اهل تسنن احادیث حضرت مهدی (ع) را نقل می کند، چنین می نویسد:.... در کتاب کنوز الحقائق نوشته امام مناوی، که با کتاب فتح المبین سال ۱۳۱۷ طبع شده صفحه ۳ از پیامبر - ص - آمده است: بشارت باد بر تو ای فاطمه (س) که مهدی از نسل توست و سپس می افزاید:

[صفحه ۵۴]

این مهدی است که مناوی در کتاب خویش و ائمه حدیثی اهل تسنن در صحاح خویش، و گروه زیادی از نویسندگان ایشان، همپای شیعه، از او یاد کرده اند. پس اگر مهدی، خرافه و اسطوره است، نخستین و بازپسین عامل این خرافه، رسول خدا بوده است! خدا و رسولش از این یاوه گوئی ها مبرا بوده مقامشان بلند و بزرگ مرتبه است. و نیز جمله معروف مهدی زمین را از عدل و داد آکنده می کند همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد را برای شیعه دستاویز

قرار داده بواسطه آن او را مسخره می کنند، باید گفت که اگر گفتن چنین جمله ای جرم است، این جرم، متوجه پیامبر است و اوست که باید جوابگوی این سؤال باشد. و حاشا که خدا و رسول را نادانان چنین جسارتی کنند. [۲۶] و کدامین مبنا برای اصالت داشتن موضوعی در اعتقادات یک مکتب، همچون کتاب آن مکتب و سخنان بنیانگذارش و رهبرانش می تواند که قاطع و برنده باشد؟ و منکران، به همه اینها پشت پا زده واقعیت را نادیده انگاشته اند، در این میان نویسندگان خودی نیز به صرف دنباله روی از مثنی چند مستشرق اعتقادات مومنان را به بازی گرفته اند. آن مستشرقان نیز وجوه انحرافشان کاملاً روشن است:

[صفحه ۵۵]

باید تصور کرد که یک مستشرق به چه انگیزه ای قصد بررسی اعتقادات مکتبی را دارد؟ مکتبی را که به آن ایمان ندارد، شخصیت های آن مکتب با افراد عادی برای او فرقی ندارند، به متون و منابع آن مکتب آشنائی کامل ندارد روح ایمان آن مکتب در او نیست و دهها اشکال دیگر... و تازه اگر سوء نیت هم نداشته باشد و به انگیزه خاصی تحقیق را شروع نکرده باشد (مثلاً ترسیم زشت از یک مکتب برای آن که افراد را به مکتب یا هدف خود جلب کند). و معلوم می شود که هیچ اعتمادی به دستاورد او نیست که ما مسلمانان خاطره های خوشی از این خاورشناسان نداشته و نداریم، البته حرف آنها را بعنوان یک بیگانه می شنویم تا بنگریم که در چهارچوب فکری آنها چه ترسیمی از عقیده ما نقش بسته است. اما دلسوزی های آنها را نیز

که دایگان عزیزتر از مادرند وقتی نمی‌نهم، چه باشد که در برداشت های خودمان دنباله رو آنها نیز باشیم، حاشا و کلا! آنهایی که یک روز با دید مادی به دین می‌نگرند و آن را افیون ملتها می‌شمردند و همه اشکال آن را پدیده فئودالها و خرده بور - ژوارها می‌دانند و یک روز پیامبر را سلطانی مستبد معرفی می‌کنند و روز دیگر با چاپ عکس های زننده و منافی عفت در کنار قرآن قصد لکه دار نمودن آن را دارند [۲۷] گاهی اسلام را شکلی ناقص یا تحریف شده ای از آئین مسیحیت می‌شمردند و گاهی قرآن

[صفحه ۵۶]

را دارای مضمونی بیزار کننده می‌دانند [۲۸] هرگز انتظار نداریم که مستشرقین، اعتقادات ما را مو بمو مطابق اصل دریافته، ثبت کنند، نه، زیرا این انتظار بی جایی است که از افراد ملل بیگانه توقع داشته باشیم که آنها بیایند و مثلا فلسفه و علوم یا مذهب یا ادبیات یا تاریخ ما را توضیح دهند و به جهان معرفی کنند. در زبان عربی این مثل معروف است: ما حکک ظهري مثل ظفري یعنی هیچ چیز مانند سرانگشت خودم پشتم را خارش نمی‌دهد. اگر مردمی راستی علاقمند باشند که خود را بشناسند... تنها راهش اینست که این کار بوسیله خودشان انجام گیرد و افراد ملل بیگانه اگر فرضا با کمال بی غرضی و علاقمندی دست به این کار بزنند بالاخره در اثر عدم آشنائی کامل گرفتار اغلاط و اشتباهات بزرگی می‌شوند، چنانکه صدها از این اشتباهات در مورد بیان تاریخ یا معرفی آداب و عادات ساده رسمی رخ داده

است. [۲۹] علاوه بر همه اینها دارمستتر زمانی مامور تحقیق در مهدویت می شود که مهدی نمای سودانی، ادعای مهدویت کرده و آشوبی بپا نموده و اذهان اروپائیان را بخود مشغول داشته است و او با این جهت گیری منفی ذهنی می خواهد مهدویت را بررسی کند، معلوم است که چه آشی خواهد پخت، زیرا نمونه مهدی در ذهن

[صفحه ۵۷]

او همان مهدی نما جلوه پیدا کرده است و پی آمدهای انحرافی دیگر این بحث... از سوی دیگر همه منابع او در زمینه اسلامی بحث، منحصر می شده به سخن ابن خلدون - که غرض ورزی او نیز روشن خواهد شد - و ابدا به منابع شیعی در این زمینه مراجعه نداشته است، حتی به منابع دیگر اهل تسنن نیز سری نزده است و با این اوضاع در مورد مهدی به خود اجازه اظهار نظر داده است. آن وقت سخنان چنین مستشرقی - که در ضمن، عرق تعصبات یهودی خویش را هم داشته - منشاء تفکر و نگارش مستشرقین دیگر و از جمله بعضی نویسندگان که نام بردیم شده است. به این جمله استاد عبدالله سبیتی توجه کنیم که: درد اسلام، خطر این مستشرقین نیست، بلکه گرفتاری و درد ما از مقلدان این مستشرقین است و این مصیبت بزرگی است برای اسلام و مسلمین. مقلدانی که متون و آثار و کتب خود را فراموش کرده اند و بدنبال کتب بیگانه رفته اند و این نقص بزرگی است... و حضرت سعد محمد حسن [۳۰] نیز از این خطای بزرگ سالم نمانده که حتی به اعتماد به سخنان گلدزیهر کفایت نکرده بلکه رای او را بتمامه پذیرفته، اندیشه

را خطا شمرده است [۳۱] و در چنین شرایطی که درباره اصیل ترین موضوعات اسلام، اظهار نظر می کنند و عقاید شیعه را به مسخره می گیرند و باطل می شمردند و افسانه می پندارند هرگز زحمت مراجعه به کتب شیعه را - که از پیش نسبت به آن جبهه گیری منفی کرده اند - به خود نمی دهند و شاید در سیستم تحقیقاتی ایشان برای رد مکتبی لازم نیست بفهمی آنها چه می گویند بلکه غرض ورزی های از پیش تعیین شده و یا اظهار نظرهای دشمنان آن مکتب برای بررسی کافی است: من در اکثر آنچه که در مورد مهدویت و بیان عقاید شیعه بیان داشته به آنها اعتماد کرده ام، مرجع و مورد اعتماد من کتبی از اهل تسنن بوده که عقاید شیعه را شرح داده است. و عذرم نیز در این موضوع این بوده که منابع و مصادر اصلی از اسماعیلیه و قرامطه و فاطمیین و موحدین کم بوده است [۳۲].

ب - اما ابن خلدون که تعصب و عناد او نسبت به شیعه در کتابش هر جا که اشاره ای به شیعه دارد، پیداست [۳۳] هر جا

که از مهدویت سخن رانده بطوری مبهم از کنار آن رد شده، نوعی که بعضی از محققین نیز این موضوع را دریافته عدم تتبع کافی و تنها کفایت به کتب مذهب خویش، را در مورد او در این موضوع شمرده اند. ابن خلدون بطور کلی منکر روایات مربوط به مهدی نیست او با اینکه همه ماخذ روایات را در اختیار نداشته بیشتر به کتب حدیث مذهب مالکی - که مذهب خود اوست

- رجوع کرده و اندکی از روایاتی را که علمای اهل سنت درباره ظهور مهدی علیه السلام از پیامبر اکرم نقل کرده اند آورده است. با این همه به صحت برخی از آنها تصریح کرده است (مقدمه، ص ۲۶، چاپ ۱۳۴۸ ق). [۳۴] او در جایی از بحث خود می گوید: مشهور میان کافه مسلمانان در همه عصور گذشته اینست که در آخر الزمان بناچار فردی از خاندان پیغمبر اسلام ظهور کند و دین را تأیید نماید و عدالت را آشکار سازد و همه مسلمانان پیروا گردند و بر همه کشورهای

[صفحه ۶۰]

اسلامی مسلط گردد و مهدی نامیده شود. [۳۵] اما در جای دیگر می گوید: این احادیث (۲۸ حدیث) مهدی است که ائمه حدیثی درباره او و خروجش در آخر الزمان نقل کرده اند و اینها همه مورد انتقادند جز اندک، یا اندک از اندک آن. [۳۶] غافل از آن که حتی در اعتقادات شیعه در همین موضوع، مبنای صحیحی را مورد مطالعه قرار نداده و به برخی خرافه ها و گفتار مغرضین در مورد آنها کفایت نموده است، مثلاً می گوید شیعه معتقد است امام زمان در سرداب حله غایب شده است [۳۷] در حالی که ابداً چنین چیزی نیست و شیعه چنین اعتقادی ندارد، زیرا اصولاً در زمان تولد امام مهدی (ع) نه خبری از حله بوده و نه اثری و تازه حله را سیف الدوله به سال ۴۵۹، بنیاد نهان! با این بی - اطلاعی از تاریخ عرب و یا اعتقاد شیعه چگونه سخنش برای کسی می تواند حجیت داشته باشد؟ [۳۸] و بدتر از آن کسی است که عیناً سخن ابن

خلدون را در این زمینه رونویسی کرده، دلیل بطلان مهدویت می شمارد! [۳۹] در حالی که با این سخنان به همه احادیث فریقین در مورد قطعیت روایات پیامبر و ائمه در مورد حضرت مهدی (ع) و تواتر آنها پشت کرده اند. شیخ منصور علی ناصف، از علمای مشهور معاصر در کتاب

[صفحه ۶۱]

خویش که مجموعه احادیث پنج صحیح از صحاح ششگانه اهل سنت است می گوید: احادیث مهدی را گروهی از برگزیدگان صحابه پیغمبر روایت کرده اند و بزرگان محدثان مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمد (حنبل) و حاکم (نیشابوری) رضی الله عنهم اجمعین در کتب خود آورده اند کسانی که تمام احادیث مهدی موعود را ضعیف شمرده اند مانند ابن خلدون و غیره، راه خطا پیموده اند. [۴۰] پس اگر جامعه اهل تسنن چنین عقیده دارد، انکار یکی دو نفر غیر از انحراف از خط مشی رهبران و از واقعیت اعتقاد مهدویت، چه چیز دیگر می تواند باشد؟ بویژه که سخن صریحتر را از احمد زینی دحلان دانشمند معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه در کتاب مشهور خویش فتوحات اسلامیه بشنویم که گفته است: احادیثی که از مهدی در آن سخن رفته است بسیار زیاد و متواتر است، در میان آن همه احادیث صحیح البته روایات ضعیف هم زیاد است ولی بواسطه کثرت این احادیث و فزونی راویان آنها و محدثان کثیری که در کتب خود آورده اند جمعا مفید قطع و یقین است.

[صفحه ۶۲]

سپس می نویسد: محمد بن رسول برزنجی در آخر کتاب الاشاعه فی اشراف الساعه یاد آور شده است که: اخبار مهدی موعود متواتر می باشد و امری

مقطوع و مسلم است. از این احادیث به یقین باید دانست که مهدی از اولاد فاطمه (ع) است و زمین را پر از عدل و داد می کند. [۴۱] و گروه زیادی از دانشمندان اهل تسنن همین گونه در مورد تواتر احادیث مهدی بحث نموده و آن را اثبات کرده اند همچون شبلینجی [۴۲]، ابن حجر [۴۳]، سويدی [۴۴]، گنجی شافعی [۴۵]، محمد الصدیق [۴۶]، ابوالطیب الحسینی [۴۷] و... که همگی منکران تواتر احادیث مهدی (ع) را بدعت گزار و کافر قلمداد نموده اند. [۴۸] با این حساب مشی غیر علمی ابن خلدون و بعدی های تابع او در این زمینه مشخص می شود.

[صفحه ۶۳]

البته این نقد ما، کارهای دیگر ابن خلدون را - که شاید در زمینه سیاست و جامعه مفید هم باشد نفی نمی کند اما به این اندازه در نظر او نسبت به احادیث مهدی و تحقیق عجولانه او، خدشه وارد می کند. و منتقد ابن خلدون تنها ما شیعیان نیستیم بلکه بیشتر از ما، حق تقدم با دو تن از محققین اهل تسنن است که سخنان او را به نقد کشیده بطلانش را واضح نموده اند مانند دو کتاب ابزار الوهم المکنون من کلام ابن خلدون و الازاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه. که نوشته احمد بن محمد الصدیق و ابوالطیب بن احمد بن ابی الحسن الحسینی می باشند و نیز کسان دیگری در این زمینه کار کرده اند و ما با سخن یکی از این دانشمندان نقد ابن خلدون را به پایان می بریم: احمد محمد شاکر مصری در حاشیه جلد ۵ مسند امام احمد حنبل ص

۱۹۷ می نویسد:... اما ابن خلدون، به آنچه که درباره آن چیزی نمی دانسته پشت کرده و امور سیاسی و دولتی او را مشغول کرده و خدمت به خدمتگزاران امراء و پادشاهان او را از واقعیت دور کرده است و لذا گمان کرده که مهدی پرداخته شیعه است [۴۹]... و تصور می شود که به این اندازه در نقد سخنان منکران، کفایت

[صفحه ۶۴]

کنیم و دنباله بحث را ادامه دهیم. [۵۰].

ج: اما در مورد ولادت حضرت محمد بن الحسن المهدی (ع) به گفتار اعلام اهل تسنن مراجعه می کنیم: ابتدا به جمله سبط بن جوزی - در تذکره الخواص صفحه ۲۰۴ - اشاره می کنیم: محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب: کنیه اش ابو عبدالله، ابوالقاسم و او حجت و صاحب الزمان قائم، منتظر، آخرین امامان است. [۵۱] ابن خلکان در (وفیات الاعیان جلد ۱ ص ۵۷۱) می گوید: در مورد محمد بن الحسن المهدی: ولادتش روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری اتفاق افتاد [۵۲] ابن طولون دمشقی در (الشذورات الذهبیه صفحه ۱۱۷) چاپ بیروت سخنی شبیه سخن ابن خلکان در تاریخ ولادت امام عصر (عج) می آورد [۵۳].

[صفحه ۶۵]

و گروه زیادی نیز ولادت آن حضرت را ذکر نموده اند [۵۴] که هیچ گونه تردیدی در شخص حضرت محمد بن الحسن (ع) بعنوان مهدی موعود و تولد آن حضرت و زنده بودن آن بزرگوار باقی نمی ماند. محققین هشتاد حدیث را که همگی دلالت بر این دارند که حضرت مهدی فرزند بلا فصل امام عسکری (ع) است،

جمع آوری نموده [۵۵] و نیز اسامی همه کسانی که از اهل تسنن ولادت حضرت مهدی (ع) را ثبت نموده اند با قید مدرک نقل نموده اند [۵۶] دانشمندان و محدثان شیعه آن چنان در این زمینه به تتبع برخاسته اند که هیچ گونه ابهامی در شخصیت ولای حضرت مهدی، محمد بن الحسن (عج) برای محققان باقی نخواهد ماند. [۵۷] و بدین لحاظ است که مسلمانان منتظر ظهور و خروج اویند تا طبق فرموده پیامبر از پرده غیبت برون آمده، انتظار مسلمین را به پایان رسانیده وعده امتلاء زمین را از عدل، تحقق بخشد و دست ستمکاران را برای همیشه کوتاه کند و خویش دلیل وجودی خویش

[صفحه ۶۶]

باشد و وعده ها و احادیث پیامبر را در روایات نماید که اینک منم، آن که احادیث بی شمار مسلمین به وجودم وعده داده بود. پس اینک سخن ما منتظران:

بیا ای امام هدایت شعار

که بگذشت از حد غم انتظار

ز روی همایون بر افکن نقاب

عیان ساز رخسار چون آفتاب

برون آی از منزل اختفا

نمایان کن آثار مهر و وفا [۵۸].

[صفحه ۶۸]

پاورقی

[۱] نعمت میرزا زاده (آزرم)، منظومه پیام، صفحه ۲۶.

[۲] جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا - سوره اسراء آیه - ۸۳.

[۳] شیعیگری احمد کسروی، صفحه ۳۰.

[۴] بهائیگری احمد کسروی، صفحه ۳.

[۵] همان کتاب، ص ۴.

[۶] شیعیگری، ص ۶.

[۷] همان کتاب، ص ۲۹.

[۸] الخطوط العریضه نوشته محب الدین خطیب، قاهره، ۱۳۸۸، ص ۳۲.

[۹] مواقف حاسمه فی تاریخ الاسلام از محمد عبدالله عنان، چاپ اول، فصل هیجدهم، صفحات ۱۷۸ - ۱۸۱.

[۱۰] مواقف حاسمه فی تاریخ الاسلام از محمد عبدالله عنان، چاپ اول، فصل هیجدهم، صفحات ۱۷۸ -

[۱۱] این دو کتاب عبارتند از:

الف - المهدی و المهدویه، احمد امین بک، ۱۹۵۱، مصر، دار المعارف

ب - المهدیه فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الان سعد محمد حسن، ۱۳۷۳.

[۱۲] المهدی و المهدیه، ص ۹۶. قبل از شروع در نقد، توضیح این نکته ضروری است که شیعه هرگز معتقد به تعیین وقت برای ظهور نیست او حتی طبق روایاتش معتقد است که وقت ظهور مشخص نیست و هر کس وقتی تعیین کند کذاب و افترا زنده است. (برای نمونه رجوع شود به کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۴ و ۵۱۶).

[۱۳] همان کتاب، ص ۱۱۱.

[۱۴] مانند بهائیکری احمد کسروی صفحه ۴، پاورقی و المهدیه فی الاسلام ص ۶۹.

[۱۵] دارمستر.

[۱۶] ترجمه محسن جهانسوز، کتاب فروشی ادب، خرداد ۱۳۱۷.

[۱۷] مهدی دار مستتر، ص ۶.

[۱۸] همان کتاب، ص ۲۱.

[۱۹] همان کتاب، ص ۳۷.

[۲۰] مارگلی یوت: (دیباچه ای بر رهبری، صفحه ۲۰۱).

[۲۱] العقیده و الشریعه فی الاسلام، گلذیهر، ترجمه محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر، عبدالعزیز عبدالحق، چاپ دوم ۱۹۵۹، مصر (دار الکتب الحدیثه) و بغداد (مکتبه المثنی)، ص ۹۳.

[۲۲] مثل، دائره المعارف اسلام انگلیسی، نوشته مکدونالد جلد سوم صفحه ۱۱۱ - ۱۱۵ و السیاده العربیه و الشیعه ترجمه عربی، نوشته فان فلوتن، ص ۱۰۸ - ۱۳۶ و دائره المعارف بریتانیکا، انگلیسی، جلد ۱۴ ص ۶۷۶.

[۲۳] مقدمه ابن خلدون، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، بیروت، صفحات ۳۱۱ - ۳۳۰.

[۲۴] مدارک فراوان این حدیث را در فصل گذشته آوردیم.

[۲۵] المهدی المنتظر و العقل، فصل هشتم، ص ۸۶ - ۱۰۱.

[۲۶] المهدی المنتظر و العقل، ص ۹۶ و ۹۵.

[۲۷] مکتب اسلام، سال ۱۷ شماره ۵ ص ۶۹.

[۲۸] دکتر طیب‌آوی، خاورشناسان انگلیسی

زبان، ترجمه سید خلیل خلیلیان انتشارات نوید ۱۳۴۹.

[۲۹] اصول فلسفه و روش رئالیسم جلد اول، ۱۳۳۲ شمسی، دار العلم قم، مقدمه، صفحه ز تا یا.

[۳۰] منظور از سعد محمد حسن، نویسنده المهدیه فی الاسلام است که منکر اصالت مهدویت در اسلام شده است.

[۳۱] الی مشیخه الازهر، عبد الله السبیتی، ۱۳۷۵ ق، ص ۹۶. این کتاب نقد علمی کتاب المهدیه فی الاسلام است.

[۳۲] احمد امین المهدی و المهدویه ص ۱۲۰. جالبتر آن که همین منابع کم را که می گویند مراجعه کرده اند از فرق انحرافی شیعه انتخاب کرده اند نه تشیع اثنی عشری اصیل و فرمایشات ائمه اطهار. تو خود اوج تحقیق را بفهم از این مجمل.

[۳۳] و این تعصب و دشمنی بحدی است که احادیث شیعیان را به جرم شیعه بودن رد می کند و می گوید به جرم فساد مذهب حرف آنها را کنار می گذاریم و به این ترتیب شیعه را فاسد المذهب می نامد. رجوع کنید به دادگستر جهان صفحات ۲۳ و ۲۴ نمونه دیگر اینکه بر خلاف اکثر مورخین قضیه سرپیچی خلیفه دوم را از آوردن قلم و دوات برای پیامبر در آخرین لحظات زندگانی آن حضرت، برای تعیین رهبر پس از خویش بطور کتبی، انکار می کند. مقدمه، ص ۱۴۹.

[۳۴] فلسفه تاریخ ابن خلدون، محسن مهدی، ترجمه مجید مسعودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، صفحات. ۳۲۲ - ۳۲۳ از مترجم.

[۳۵] مقدمه ابن خلدون، ص ۳۱۱.

[۳۶] مقدمه ابن خلدون، ص ۳۲۲.

[۳۷] مقدمه ابن خلدون، ص ۱۹۹.

[۳۸] برای اطلاع از نحوه صحیح اعتقاد شیعه در زمینه غیبت امام عصر (عج) به جزوه مختصر نشانی از خورشید صندوق پستی ۲۲۲۳ رجوع

کنید.

[۳۹] الی مشیخه الازهر، ص ۱۰۶.

[۴۰] التاج لجامع الاصول جلد ۵ ص ۳۴۱، به نقل از دانشمندان عامه و مهدی موعود، ص ۳۰.

[۴۱] فتوحات اسلامیه، ج ۲ ص ۳۲۲) به نقل از منتخب الاثر، ص ۵ پاورقی و دانشمندان عامه و مهدی موعود، ص (۳۱).

[۴۲] نور الابصار، ص ۱۵۵، چاپ مصر، سال ۱۳۱۲.

[۴۳] الصواعق المحرقة، ص ۹۹ چاپ مصر.

[۴۴] سبائك الذهب، ص ۷۸.

[۴۵] البيان في اخبار صاحب الزمان باب ۱۱.

[۴۶] ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، به نقل از صفحه ۱۰۶ المهدی و المهدویه.

[۴۷] الاذاعه لما کان و ما یكون بین یدی الساعه، به نقل صفحه ۱۱۰ المهدی و المهدویه.

[۴۸] منتخب الاثر، صفحات ۳ تا ۶، پاورقی.

[۴۹] المصلح المنتظر محمد رضا شمس الدین، مطبعه علمیه نجف، ۱۳۷۵ ق ص ۳۲.

[۵۰] برای اطلاع بیشتر می توان به کتاب هائی که نامبرده شد و نیز این کتابها رجوع کرد:

الف - مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی و المهدویه، محمد امین زین الدین، مطبعه دار النشر و التالیف در نجف، ۱۳۷۱ ق.

ب - حدیث المهدی و الدكتور احمد امین.

[۵۱] احقاق الحق، ج ۱۳ ص ۹۰.

[۵۲] همان کتاب، ص ۸۹.

[۵۳] همان کتاب، ص ۸۸.

[۵۴] همچون ابن صباغ (در فصول المهمه، ص ۲۷۴) و ابن حجر هیتمی (در صواعق، ص ۱۲۴) و کمال الدین محمد شافعی (در مطالب السوول، ص ۸۹) و علامه حمزوی (در مشارق الانوار، ص ۱۵۳) و شبلنجی در (نور الابصار، ص ۲۲۹) و علامه

شیراوی شافعی در (الاتحاف بحب الاشراف، ص ۶۸) و... به نقل احقاق حق جلد ۱۳ ص ۸۸ تا ۹۷.

[۵۵] من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی، ص ۳۱۳ تا ۳۱۷.

[۵۶] همان

[۵۷] به متون حدیثی که قبلا نام برده شد مراجعه کنید.

[۵۸] فضل الله بن سعید عبدالرحمن محدث، روضه الاحباب. (منتخب - الاثر، ص ۳۲۳).

متمهیدیان عاملی دیگر در انحراف مستشرقان

راه هموار است زیرش دام ها

قحط معنی در میان نام ها [۱].

مدتی معکوس باشد کارها

دزد دارد شحنة را بردارها! [۲].

با یک نگاه به سیر گذشته که به نقد منکران - اعم از مستشرقان و دیگر ناباوران - گذشت به این نتیجه می رسیم که: یکی از علل مهم انکار منکران، وجود عینی مهدی نمائاتی است که در گوشه و کنار ظاهر شده، علم مهدویت را برافراشته با توجه شرایط زمانی و مکانی، گروهی را فریفته، خود را مهدی نامیده و با توجه به تاثیری که در مریدان خویش داشته اند، به فساد برخاسته اند. فراگرد وجود چنین مهدی نمائاتی که اکثرا فریب کارانی فرصت جو

[صفحه ۶۹]

و دغل کار و حيله گر بوده اند و در پی بدست آوردن موقعیت و مقام برای خویش یا اربابان خویش یا هر دو بر آمده بودند باید که انکار منکران را نیز داشته باشیم. زیرا که تاثیرات وجودی اینان که عبارت از وارد شدن ضربه های هولناک و شکننده شکست و تفرقه در میان جامعه است، ایشان را بر آن می دارد که اصل قضیه را منکر شوند و در کل، مهدویت را عالم فساد و اختلاف بحساب آورند. بخصوص که این عامل متمهیدیان، با عامل دیگری که عدم تحقیق در متون اسلامی و جهل نسبی یا تجاهل بوده دست بدست هم می داده و اشکال تراشی های ذکر شده را سبب می شده است. بعضی از منکران، رفتار مهدی نماها را

به بررسی کشیده، نقطه ضعیف ها، فسادها و فریب کاری های ایشان را بدست آورده و سرانجام نتیجه می گرفته اند که اگر مهدویت این است، ما با آن مخالف بوده و آن را انکار می کنیم. ابن خلدون به بحثی طولانی درباره مهدی فاطمی پرداخته با رد او خواسته در کل مهدویت خدشه وارد کند، احمد امین و سعد محمد حسن نیز با همین بحث و تعمیم آن به یکی دو یا چند مهدی نمای دیگر همچون مهدی سودانی، قادیانی، باب و بهاء، اشکال تراشی های خویش را در اصل مهدویت شروع کرده اند. دار - مستتر با توجه به زندگانی متمهدی سودانی و احمد امین و سعد محمد حسن با توجه به او و یکی دو نمونه مهدی نمای دیگر و اثرات شوم ظهور آنها پشت پا به اصل مهدویت زده اند. غافل از آن که، فریب کاری متمهدیان و فساد انگیزی ایشان در زمین، و گرد آوردن مریدانی چند و سواری گرفتن از ایشان، خود

[صفحه ۷۰]

دلیل آنست که اصلی در اسلام وجود داشته که این اصل نماها عرصه اظهار وجود پیدا کرده اند و با فریب مردم خود را بجای آن اصل جا می زنند، نفی مهدی نماها، هرگز نفی مهدی نیست، برای وجود چند جنس تقلبی هرگز وجود همه اجناس از آن نوع را نفی نمی کنند. پس باید کوشش بر این باشد که چهره واقعی مهدویت را آن گونه که اسلام معرفی می کند شناساند و در این میان آگاه و هوشیار بود و دست فریب کاران مهدی نما را رو کرده و در پاسداری از اعتقاد آگاه و بیدار،

راهنمای امت بود. دشمن به خوبی می داند که بهترین راه خراب کردن یک عقیده پر تحرک و پر جوشش، مصنوعی کردن و ترسیم غلط و انحرافی از آن عقیده می تواند باشد. ملتی که با اعتقاد به مهدی و ظهور پیروزمند او در مقابله با تمامی ستم ها و ظلم ها، هرگز راه نفوذی برای دشمن باقی نمی گذارد و آرزوی هر گونه سوء استفاده ای را در قلب دشمن خفه می کند، چگونه می تواند نفوذ پذیر باشد؟ آیا با از بین بردن صریح این اعتقاد در دل او، می توان در او نفوذ کرد؟ و یا اینکه کاریکاتوری بی اثر و کاملاً انحرافی از عقیده او ترسیم نمود و چنین چیزی را بجای موعود او، به او معرفی کرد؟ مسلماً راه دوم خیلی زودتر او را به نتیجه می رساند، عمال خویش را در این لباس به مردم معرفی می کند و با رنگ و روغن های خویش چهره ای فریب کارانه و شبیه به مهدی برای او ساخته منافعش را به این ترتیب از طریق این عمال بدست می آورد. و

[صفحه ۷۱]

این کار نهایت به بی اعتبار کردن این اعتقاد می انجامد. ما برای آن که این عامل مهم یعنی مهدی نماها را روشتر تحلیل کنیم ناچاریم از روی ضرورت، زندگی یکی دو نمونه آنها را که بیشتر مورد تاکید منکران و عامل بد گوئی آنها شده به بررسی کشیم به این خاطر تنها دو نمونه از متهمدیان یعنی قادیانیه و بهائیه را به نقد می نشینیم.

پاورقی

[۱] مولانا جلال الدین رومی، دفتر اول مثنوی. شماره بیت ۱۰۶۱.

[۲] همان کتاب ش ۲۶۳۰.

انگلیس را بخاطر می آورد که چگونه در پی بدست آوردن منافع بیکران خویش در هند، از هر وسیله ای برای درهم کوبیدن مقاومت مردم محروم و ستمدیده و فقیر استفاده می کرد و برای حفظ موقعیت خویش چگونه سلطه های استثمار اقتصادی و اعتقادی را به روی مردم هند پهن می کرد، او در پی این نقشه ها، سرانجام به این نتیجه رسید که با آرم دین و رنگ مذهبی می تواند سلطه های ظالمانه خویش را گسترده تر کند منتهی مذهب و دینی منحرف و بی اصالت. در پی این فکر، مزدوری بنام احمد قادیانی (متوفی ۱۸۳۹ - ۴۰) را پیدا کرد و پس از تعالیم لازم به او، ماموریت مهدویت و تجدید در اسلام را به او سپرد، (که البته از این تجربه در کشورهای دیگر نیز با شکلی دیگر استفاده نمود) و او نیز با خوی نوکر صفتی خویش این ماموریت را بخوبی به انجام رسانید و عقایدش را در میان گروه زیادی - که متأسفانه هنوز در نقاط زیادی در هند تبلیغات وسیع خود را ادامه می دهند - شروع کرد و تعالیم

[صفحه ۷۲]

خویش را برای آنها بیان نمود. از این دریچه یعنی از دیدگاه انحرافی قادیانی، انگلیس توانست بسیاری از خواست های خویش را بدست آورد و روح هر گونه مقاومتی را در مردم خفه کند و بنام مهدی و دین چهره ای دایه صفتانه برای خود تدارک ببیند. رجوع به بعضی تعالیم قادیانی، همچون روز، وضوح این مسئله را برای ما روشن می کند. غلام احمد می گوید:
لقد نشرت خمسين الف كتاب و رساله و اعلان في

هذه البلاد الاسلاميه تفيد ان الحكومه الانجليزيه صاحب الفضل و المنه على المسلمين [1] يعنى همانا من (غلام احمد)، ۵۰۰۰۰ كتاب و رساله و اعلان در اين شهر و شهرهاى ديگر اسلامى نشر دادم كه از آنها اين فهميده مى شود كه حكومت انگليس صاحب فضل و منت است بر مسلمانان! و سپس اضافه مى كند: فيجب على كل مسلم ان يطيع هذه الحكومه اطاعه صادقه [2] يعنى بر هر مسلمان واجب و لازم است كه اين حكومت را (يعنى انگليس) اطاعت و فرمانبردارى كند آن هم اطاعتى از روى راستى و صداقت! شايد كمى روشن شده باشد كه انگليس چگونه توانست از راه مزدورى چون قاديانى روح هر گونه مقاومت را در طرفداران او خفه

[صفحه ۷۳]

كند، به يك مورد ديگر از تعاليم قاديانى توجه مى كنيم: ان عقيدتى التى اكررها ان للاسلام جزئين: الجزء الاول اطاعه الله و الجزء الثانى اطاعه الحكومه... و هى الحكومه البريطانىة [3] يعنى همانا عقیده ای که بارها تکرار کردم اینست که اسلام دو جزء دارد جزء اول اطاعت از خدا و جزء دوم اطاعت از حكومت انگليس! با اين نمونه، توضيحي بيشتري از اين نمى دهيم و به ذكر دنباله مطلب مى پردازيم:

پاورقى

[1] القاديانى و القاديانىة ابوالحسن الندوى.

[2] القاديانى و القاديانىة ابوالحسن الندوى.

[3] ملحق شهادة القرآن بقلم غلام احمد.

بهائيه

چندین سال قبل از ظهور قاديانى در هند كه مكارانه سلطه بيگانه را ميان مردم مستحکم مى ساخت، مكتب ديگرى در ايران پايه گذارى شد تا بتواند برادري خویش را با غلام احمد به اثبات رساند و اعتقاد پر جوش و خروش مهدويت و قائميت را به خاموشى كشاند

و با خراب کردن آن، سنگرهای مقاومت مردم را درهم بشکند. نحوه شروع این فکر بدین ترتیب بود که ابتدا فردی بنام علی محمد شیرازی معروف به باب، (۱۲۳۵-۱۲۶۶ ه. ق.) (کار خود را از ادعای نیابت امام مهدی (ع) آغاز کرد، و با توجه به اوضاع نابسامان و پیچیده کشور بر اثر جنگهای خانمانسوز ایران و روس و انتظار شدید مردم برای رسیدن یک امید، یک منجی

[صفحه ۷۴]

و یک قیام، دعوت او پر و پائی پیدا کرد زیرا او خود را واسطه بین مردم و امام عصر (عج) معرفی کرده بود. ظهور چنین دروغ زنی که با انحراف فکری مردم در چنان اوضاع پیچیده ای، هولناک ترین ضربه ها را با وعده هائی دروغ بر پیکر اعتقادات و نیز اوضاع سیاسی کشور وارد می آورد نشانه ای از فریب کاری و دخالت عوامل بیگانه در ارکان کشور بود. بویژه سیر بعدی افکار او که به ادعاهای دیگر چون مهدویت، نبوت و خدائی انجامید، روشن می سازد که چگونه اعتقادات اصیل اسلامی به بازی گرفته شدند تا آن روح واقعی را از ایمان عمیق مردم بیرون کنند. گوئی که مردم را چون بینندگان یک خیمه شب بازی و اعتقادات اصیل آنها را عروسکهای این خیمه شب بازی فرض کرده اند. بخصوص که بعدی های او این سیر را ادامه دادند، یعنی فردی بنام میرزا حسین علی معروف به بهاء الله (۱۲۳۳-۱۳۰۹ ه. ق.) (که بهائیه را بنا نهاد. روزی ادعای قائمیت کنند و خود را همان قائم موعود و منتظر مردم بشمار آورند و روز دیگر توبه کنند و از این ادعائی

که نموده اند عذر خواهی و پوزش و طلب مغفرت از سلطان محمد شاه و ناصرالدین شاه! نمایند. [۱].

[صفحه ۷۵]

روزی ادعای نبوت کنند [۲] و روز دیگر خود را بنده ای ضعیف و عبدی از عباد سلطان مقتدر (ناصرالدین شاه)! نام ببرند و بنده زر خرید او بشمار آورند. [۳] و با مسخره کردن اعتقادات اصیل اسلامی، تفرقه و جنگ و آشوب در میان مسلمانان بر وجود آورند. آیا این نشانگر همان حيله دشمن برای خراب کردن يك اعتقاد اصیل و پر تحرک نیست؟ آیا این سوء استفاده از قائمیت و مهدویت نیست؟ آیا دشمن نمی خواهد که بدین وسیله همه سنگرهای مسلمین را نابود کند؟ آیا این چیزی شبیه کار قادیانی در جهت منافع استعمارگر پلیدی چون انگلیس نیست؟ ما نمی دانیم، تهمت هم نمی زنیم و می گذاریم رهبران این مکتب خود به دفاع از مکتب خویش قیام کنند. شاید بهتر باشد که از دهان رهبران بهائیت جملاتی را بشنویم تا روشنگر اعتقاداتشان باشد همان گونه که به حرفهای قادیانی توجه کردیم. حضرت عبدالبهاء، عباس افندی، پسر میرزا حسین علی بهاء الله و دومین رهبر بهائیت در جمعی از چپاولگران اظهار می دارد:

[صفحه ۷۶]

از الطاف او می طلبم که جمیع شما را به یک دیگر مهربان کند این ملت محترمه!! انگلیس را عزیز کند و این دولت عادلانه!! را تایید نماید. [۴] برای آن که پیشداوری نکرده باشیم به جمله ای دیگر از هم ایشان در میان آمریکائیان توجه می کنیم. شاید در مقابل آنها، ایشان از وطن دفاع کرده باشد و جبران دعای بر انگلیس را نموده باشد: از برای تجارت و

منفعت ملت آمریکا، مملکتی بهتر از ایران نه!! چه که ایران مواد ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. [۵].

آری! باز هم قادیانی که به یک ارباب کفایت کرد و تن به اسارت آمریکائیان نداد تا ثروت مردم ستمدیده کشورش را دو دستی به آمریکا تعارف کند. این غذا - مکتب بهائیت - آن قدر خوش طعم است که دیگر کشورهای استعماری از آن چشم نمی پوشند و تقاضا دارند که از

[صفحه ۷۷]

آن بهره گیرند نمونه اش را در دعوت سفارت فرانسه از مبلغین بهائی می بینیم که ایشان را دعوت به الجزایر و تونس می فرمایند تا مثل قادیانی را که در هند به انگلستان خدمت نمود در آنجاها داشته باشند. دقت کنید: از تهران چند مکتوب رسید که اولیای سفارت فرانسه اصرار دارند که بعضی از مبلغین به صفحات آخرین یعنی تونس و جزائر توجه نمایند و از اولیاء دولت فرانسه نهایت رعایت خواهد شد تا جماعت آن سامان را تبلیغ نمایند. [۶] بیش از این به فریب کاران مجال نمی دهیم! و تا همین حد انتظار داریم که روشن ضمیران بخود آیند و سلطه های بیگانه را که با استفاده از دعوی اصیل مهدویت و نشان دادن چهره های تحریفی از آنها می خواهند منافع خویش را ثابت نگه دارند، از بین ببرند. در این میان نیز روشن شد که منکران، بسیار سست پندار بوده اند که کار و اهداف این فریب کاران را به حساب مهدویت

[صفحه ۷۸]

گزارده اند. آری ممکن است که چند صباحی «دزدی»، شحنه را بردار دارد اما سرانجام عمر این معکوس کاری ها بسر آمده، قحط معنی

به کناری رفته، دام‌ها آشکار شده، حقیقت رخسار خویش را نشان می‌دهد. و محققان هم باید بدانند که اینها مهدویت نیست و این بدل‌ها خدشه‌ای در اصل پدید نمی‌آورد بلکه بنیادهای آن را محکم‌تر می‌کند تا قاطعانه‌تر، مومنان به آن بگردند و با دستگیری و دست‌اندازی به ریسمان محکم الهی، سلطه‌های غیر خدا را از هم بگسلند. ان شاء الله.

ای ساحت قدس تو ز هر عیب و خلل، طهر

اجرا نشود حکم کسی تا نرنی مهر

از یمن وجود تو شود صبح و شب و ظهر

دلها همه ظلمتکده، مهتاب توئی تو [۷].

[صفحه ۸۰]

پاورقی

[۱] رجوع کنید به کتاب کشف الغطاء عن حیل الاعداء نوشته میرزا - ابوالفضل گلپایگانی، از کتابهای همین گروه، صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵ که متن توبه نامه او را خطاب به ناصرالدین شاه که البته در پایان مستدعی الطاف شاهنشاهی - یعنی محمد شاه - است (!) آورده است.

[۲] عباس افندی، پدرش را جزو انبیاء بزرگ چون ابراهیم، نوح، موسی، عیسی و حضرت محمد - ص - نام می‌برد - خطابات مبارکه، صفحه ۷ - خود میرزا حسین علی نیز، جریان مبعوث شدن و انزال وحی را بر خویش شرح داده است - ص ۱۱۶ و ۱۱۷ مقاله شخصی سیاح -.

[۳] لوح سلطان، نوشته میرزا حسین علی صفحه اول.

[۴] عباس افندی، عبدالبهاء، خطابات جلد اول ص ۲۵ و ۲۶. این مدرک توضیحی نمی‌خواهد و خود اظهر من الشمس کنه مطلب را می‌رساند!.

[۵] خطابات مبارکه، ص ۳۳. زهی بی‌شرمی، که تمامی ملت و منابع ثروت او را، دو دستی تقدیم امپریالیست جهانخوار

آمریکا می کند، و آنها را بر این سفره رنگین، تعارف ذلیلانه و خائنانه می نماید، معلوم است که چرا امپریالیست ها از این نوکران غافل نمی مانند و صهیونیست ها، آنها را در قلب کشور خود، جای می دهند.

[۶] کتاب مائده آسمانی به نقل از خود عباس افندی، ص ۴۷ و ۴۸. البته سالها پیش از این هم فرانسه از این خوان پر مائده خواسته بود که لقمه ای بردارد و لذا نایب کنسول خود را پیش میرزا حسین علی - بهاء الله - فرستاده بود و به او گفته بود: شما از تبعیت اسلام بیزاری جوئید و خویش را تابع فرانسه گوئید تا ما شما را تقویت نمائیم! - صفحه ۳۸۰ و ۳۸۱ کتاب کواکب الدریه جلد اول - البته انگلیس هم کاملا- دندان تیز کرده بود که اگر بهاء الله حاضر باشد، ترتیب استقرار او را به هندوستان! هم بدهد. به این خاطر سر آرنولد با روز کمبال ژنرال کنسول دولت انگلستان مامور شده بود که از طرف ملکه ویکتوریا با بهاء الله مکاتبه کند! کتاب قرن بدیع جلد ۲ صفحه ۱۳۴.

[۷] حبیب چایچیان (حسان)، نغمه های پیروزی، ص ۲۳۰، از شعر آئینه غیب نما.

در سبیل حکومت جهانی توحیدی

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین [۱].

پی آمد این سیر کوتاه، رسیدن به این نتیجه بود که: مهدویت در تشریح اسلام، اصالتی ویژه دارد و کسی که این رکن اساسی را نادیده انگارد، همانند کسی است که دیگر ارکان این نهاد را همچون توحید، نبوت و... انکار ورزیده است. همان گونه که اسلام بدون نبوت، معنی ندارد، بدون مهدویت نیز مفهومی نخواهد داشت.

برنامه تکاملی اسلام زمانی به تحقق نهائی خواهد رسید که تمامی ارکان آن به تحقق پیوندند، از جمله این وعده الهی که هنوز محقق نشده و وقوع کامل آن به ظهور پر سرور حضرت مهدی (ع) نوید داده شده است:

[صفحه ۸۱]

زمین از آن خداست، بهر که بخواهد واگذار می کند و سرانجام آن را نصیب پرهیزکاران خواهد کرد [۲] پی آمد نبوت در اسلام، امامت است و پی آمد امامت، ظهور و قیام دوازدهمین امام حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج) در آخرالزمان است که با انقلاب پیروزمند خویش به جولان باطل ها خاتمه داده، حق را که ماندنی است در همه جا گسترده. زمین از آن پرهیزگاران خواهد شد و در همه جا پرچم توحید به اهتزاز در خواهد آمد. به ضرورت این اصل و به پشتوانه منابع اصیل اسلامی، اعتقاد به مهدی (عج) در سر لوحه باورهای هر مسلمان در دوران غیبت آن بزرگوار نقش بسته است. از سال ۲۶۰ هجری که به دلایل گوناگون از جمله جو نامساعد زمان و وجود سلطه گران خود کامه و ستمکار، حضرت مهدی (عج) به فرمان الهی غیبت اختیار فرمود، که ذخیره روز قیام باشد، تا کنون که صدها سال می گذرد، تفکر شیعه در تمامی تحولات جامعه، پیرامون ظهور و قیام منجی موعود، دور می زده است. اگر مشاهده می شود که همگان در معرفی شیعه، به خصیصه مخالفت دائم او با نظام های غیر خدائی اشاره می کنند و تلاش دائم او را در کنار رهبرانش چه در جبهه مبارزات استبداد بر انداز و آزادی بخش و چه مبارزات عقیدتی و روشنگر، بر می

قائم (ع) در پیش چشم او، هرگز اجازه همکاری و همگامی و سازش با ستمکاران را به او نداده، حتی محبت و علاقه ایشان نیز در دل او راهی نیافته است. این آرمان، با تکیه بر احادیث انتظار - که شکوفه های امید و چشم براهی ظهور انقلاب گر پیروز الهی را شاداب نگه می داشته - آمادگی برای پذیرش هر خطر را در راه پاسداری از حریم اعتقاداتش در او فراهم می آورده است. حتی سکوت او در مراحل از زمان ها، نشانه تایید و تابعیت نبوده در واقع حکم آتشی را داشته که در زیر خاکسترها، در انتظار همیشه مناسب بوده تا ناگهان شعله خویش را آشکار نماید. دور نمای حکومت حضرت مهدی (عج) که ایجاد یک حکومت واحد جهانی است، حتی او را از قید ماندن و فرود مردن در سطح اصلاح یک منطقه و یک بوم خارج می کند و در اندیشه برهم زنی همه سلطه - های ظالمانه جهان مشغول می دارد. این معنی، انکار تشکیل نظام عادلانه در غیبت امام (ع) نبوده و نیست بلکه به این معناست که دیدگاه او از این نیز فراتر رفته، در پی تهیه مقدمات ظهوری که همه چهره های عدل را آشکار کند بوده و می باشد، ظهوری که امام (ع) در آن با نیروی الهی امتلاء زمین از عدل را تحقق می بخشد. و باز به این مفهوم است که در حدی نسبی می توان گوشه هایی از حکومت اسلامی را در نظامی عادلانه در هنگامه

غیبت مشاهده کرد - که این خود بسیار مغتنم است و برای بدست آوردن آن باید از هر مجاهده ای در اشکال گوناگونش دریغ نورزید - اما این آخر

[صفحه ۸۳]

کار نیست زیرا این مجموعه - مجموعه مردم جامعه - از وجود خراب کارانی چون قاسطین، مارقین و ناکشین خالی نیست، آن چنان که در زمان حکومت عدالت مدار حضرت امیرالمومنین (ع) جامعه از اینان خالی نبود، حال آن که در اسلامی بودن حکومت داد گرانه آن حضرت کسی تردید ندارد. [۳] به این جهت است که می گوئیم تفکر شیعه در غیبت پیوسته انتظار رسیدن به جامعه عدل قائم (ع) است جامعه ای که از وجود قاسطین، مارقین و ناکشین خالی است. جامعه ای یک پارچه، مومن و جهانی. پس مسلمان مومن ضمن ستیز هر روزه در اشکال گوناگون برای رسیدن به جامعه عدل، انتظار حکومت حضرت مهدی (ع) را نیز همراه دارد چه که طرح واقعی نظام عادلانه نهائی جهانی را در قیام آن حضرت مشاهده می کند، جامعه ای که از وجود دو رویان، ستیز گران بیدادگر، پیمان شکنان مرتد خالی است و سراسر

[صفحه ۸۴]

ایمان و دادگری است: همه اموال و گنجینه های دنیا و نیز هر آنچه از ذخائر که در زمین پنهان است و هر آنچه که آشکار است نزد مهدی (ع) گرد آید آن گاه آن حضرت به مردم گوید: بیائید اینها همان چیزهائی است که برای بدست آوردن آنها از خویشاوندانتان بریدید و خونها ریختید و کارهای حرام مرتکب شدید، [۴] حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد، گنج ها برایش آشکار شده، نقطه خرابی در

زمین پیدا نمی شود مگر آن که به تعمیرش همت گمارده می شود. [۵] مبارزه و قتال را ادامه دهند تا اینکه همگان بر توحید گرد آیند و کسی به خدای بزرگ شرک نوردد، در این هنگام - آن قدر عدل و امن بر همه جا سایه گسترد که - پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب می رود در حالی که کسی او را آزاری نمی رساند، زمین روئیدنی هایش را خارج نموده آسمان باران های رحمتش را فرو می فرستد. [۶] البته روشن است که شوق رسیدن به چنین جامعه توحیدی در برهه های مختلف زمان، شدت و ضعف داشته است، هنگامی که سختی ها و ناملايمات و ستم ها، تازیانه وار جسم نحیف انسانها را

[صفحه ۸۵]

زیر ضربات خویش می گرفته، و امیدش از همه نیروهای مادی جهان قطع می شده، این امید هر چه بیشتر در دلش پر می کشیده که باین خورشید شهر راهی پیدا کند و قیام پر شور مهدی (ع) را نظاره گر باشد. این خاصیت وجودی و روانی انسان است که حتی در مورد شکر - گذاری به نعمات الهی نیز در هنگام راحتی و آسایش کوتاهی نموده و گاهی آن چنان خوشی ها او را مغرور کرده که به انکار خدا بر می خیزد [۷] و آن قدر جسارت بخود می دهد و روح حیوانیت را در خویش پرو بال می دهد که پروردگارش را فراموش می کند و بدین لحاظ است که مومن واقعی در دیدگاه قرآن کسی است که ایمان و اعتقاداتش در تحولات جامعه هرگز تغییر نکند چه در هنگام نعمت و تکریم و چه

به هنگام فقر و عجز و ناتوانی. اما در هر حال شوق رسیدن به جامعه توحیدی آخرالزمان و اوج تفکر مهدی در لحظات ناامیدی و افزونی ستم‌ها بیشتر آشکار می‌شده است و به این ترتیب در لحظاتی از تاریخ اندیشه مهدویت رونق بیشتری می‌یافته است. این موضوع گروهی را به این فکر آورده که مهدویت سمبل لحظات رنج و محرومیت طبقات رنج‌دیده است و واقعیتی جز امید به پیروزی ندارد و اصالت مهدویت را از لحاظ سمبلیک بودن آن می‌پذیرند نه ریشه دار

[صفحه ۸۶]

بودنش در متون: این رند عیار طی قرون اعصار، گاه در لباس عربی، زمانی با فینه و عمامه مروارید دوز عثمانی و ساعتی در قصب مصری و بالاخره هنگامی در سپید جامه پارسی... سر برون کرده و صفحه چند از تاریخ بشر را با خون مجذوبین نوشته و مجدداً یا به آسمان صعود کرده... یا آن که در کوهی و غاری و دره‌ای پنهان شده و خود را آماده ظهور دیگری کرده است. [۸] قرآن مطلقاً درباره امام و مهدی و جانشین پیغمبر سکوت کرده. [۹] مهدی، این خدای مجسم افسانه‌های مذهبی [۱۰]... مفهوم زمان اساطیری را می‌توان بعنوان مثال در توجهی که شیعیان به ظهور مهدی موعود و روز رستاخیز دارند بخوبی مشاهده کرد. [۱۱] اگر ساخت مقولات اساطیری را که نقش اولش طرح انداختن است در ذهنمان مجسم سازیم می‌بینیم که بینش تخیلی و تفکر تمثیلی قوم ایرانی چه پیش از اسلام چه بعد از آن بدون شک جنبه اساطیری دارد... [۱۲].

[صفحه ۸۷]

اگر چه ما بینش اساطیری آقایان را چیزی افزونتر از

نویسنده گانی که در فصل نقد منکران به نقدشان کشیدیم نمی دانیم و حرف های ایشان را هم دارای چندان تفاوتی با آنها نمی دانیم اما در عین حال از این دیدگاه لازم به اشاره است که - همان طور که گفته شد - اصالت مهدویت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان و اینکه از ارکان مهم اعتقادی اسلام است بحثی ندارد و اگر تجلی این فکر را در پاره ای از زمانها بیشتر می بینیم بخاطر شرایط مختلف زمانی است که شدت و ضعف می یافته است و این طبیعی است که در هنگامه سختی ها و ناملازمات امیدها و وعده های پیروزی و باورهای واقعی ولی فراموش شده بیشتر بال و پر می گیرد. این معنی هرگز به مفهوم توجه به اساطیر و دنباله روی از آن رند عیار نیست، از نویسنده ای که در کمال بی خبری و جهل ادعا می کند قرآن درباره مهدی سکوت کرده از این بیشتر انتظاری نمی توان داشت و نیز کسی که رستاخیز و معاد را جزو اساطیر می داند و آشکارا الحاد خویش را می نمایاند، معلوم است که فکرش چقدر ارزش بررسی و تحلیل را دارد! پس در مجموع، به این نقطه رسیدیم که جز تنی چند که اغلب ناآگاهی - اگر نگوئیم غرض ورزی - مانع حقیقت بینی آنها شده است به این موضوع منکر شده اند که مختصرا وجوه انحرافشان را از حقیقت نشان دادیم و بقدر لازم اصالت مهدویت را از متون اسلامی، قرآن، روایات و نیز اجماع دانشمندان سلف و خلف اسلامی روشن ساختیم و معلوم شد که این

صدای تاریخ است که در تمامی اعصار از دل اولیاء بر می خاسته و زمین را از وجود خویش آکنده

[صفحه ۸۸]

می کرده و در این هنگام منتظران روز ظهور، به یقین از خدا او را طلب می نموده اند. سخن را با جمله ای از محی الدین عربی پیشوای طریقت و مقتدای تصوف به پایان می بریم: امام مهدی، قائم منتظر و حجت خدا و خلیفه او در مکه بین رکن و مقام ظهور می کند، کوفیان از او خشنودند، مالها را مساوی تقسیم کرده بین مردم به عدل حکم می کند... او پیشوائی است که به گویش حیوانات آشنائی دارد و عدلش در میان انسانها و دیگر مخلوقات دیده می شود. [۱۳].

[صفحه ۹۰]

پاورقی

[۱] شیخ فریدالدین عطار (مقتول ۶۲۷)، مظهر الصفات (دانشمندان عامه و مهدی موعود، ص ۶۱).

[۲] سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

[۳] قاسطین: بیدادگران سلطه جو، ناکشین: پیمان شکنان مرتد، مارقین: منافقان فرصت طلب و جنایت پیشه. این هر سه گروه در سه چهره مختلف به جنگ با حضرت علی (ع) در آمدند تا بساط نظام عادلانه او را درهم پیچند، یا لا اقل با رفتار خویش آن را از قرب و اعتبار بیندازند و در آن اخلال کنند (نماینده گروه اول معاویه بود در جنگ صفین و از گروه دوم طلحه و زبیر همان آتش افروزان جنگ جمل و از گروه سوم خوارج منافق صفت در جنگ نهروان که امیرالمومنین (ع) نیز با هر سه به ستیز در آمد اما هرگز خنجرهای آخته این نا جوانمردان در آزار رسانی به آن حضرت و حکومت او و مردم مسلمان از کار نیفتاد تا سرانجام بدست

جنایت کارترین گروه (مارقین) آن حضرت به شهادت رسید و سلسله پلید بنی امیه روی کار آمد.

[۴] بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۲۹، از امام حضرت محمد الباقر (ع).

[۵] منتخب الاثر، ص ۴۸۲.

[۶] منتخب الاثر، ص ۳۰۸، از امام حضرت محمد الباقر (ع).

[۷] و اذ رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجیهم الی البر اذا هم یشرکون. عنکبوت، آیه. ۶۵ هنگامی که به کشتی سوار می شوند - و در معرض خطر قرار می گیرند - خدا را خالصانه می خوانند، اما هنگامی که نجاتشان دادیم و بخشکی در آوردیم، مشرک می شوند!.

[۸] احمد سروش، مدعیان مهدویت از صدر اسلام تا عصر حاضر ص ۴.

[۹] همان کتاب، ص ۸.

[۱۰] همان کتاب، ص ۴.

[۱۱] بت های ذهنی و خاطره ازلی داریوش شایگان، ص ۲۰۳ و ۲۰۴ و بینش اساطیری، مقاله اول از الفبا، دفتر پنجم، ص ۶۲.

[۱۲] همان کتاب.

[۱۳] تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد قاضی بهلول بهجت افندی (تالیف ۱۳۴۰ ق) ترجمه میرزا مهدی ادیب، ص ۱۳۸.

وضوی شهادت گرفته اید شما نگاهبانان حماسه انتظار؟

... و اینک به ارمغان، در این مسیر، هر چه گل داغ هر سنبل سپیده امید هر جا که دیده ام، با داس هر کلام بهر تو چیده ام. [۱]
و تو ای مظلوم تاریخ، ای پیشوای محرومان، ای حامی زحمتکشان، ای انقلابگر پیروز. ای سرو افراخته در دشت های خاموش،
ای قامت رعنا عدالت، ای دادرس مظلومان، ای فجر امید، ای فریاد آزادی. فردا که دست هامان می رود تا پنجره های شرق
را بگشاید، امید هامان اینست که این بار آفتابی دیگر بتابد، آفتابی که بر ملک تو می تابد... آفتاب ظهور،

امید مستضعفان، مستضعفان پیروز. امشب که می خوابیم: شاید آخرین شب هجران باشد، هجران مشتاقان، مشتاقان محروم، محرومان تاریخ، تاریخ امپراتوران نه، تاریخ محرومان. برای فرزندانمان حماسه خواهیم سرود، به آنها خواهیم گفت ما باغبانان که عمری چشم بر راه گذاشته ایم، تا تو بیایی و با مژگان دیدگانمان فرش را جارو کنیم، نشستیم و تو نیامدی. به آنها خواهیم گفت که لاله های انتظار را در قلب هایشان هر روز آبیاری کنند مبادا این گلها از طراوت بیفتند. به آنها خواهیم گفت، وقتی امامتان آمد، این لاله ها را چیده، با ربانی سرخ که نشانه اعتراضتان بر هر چه ستم و ستمگران بوده، بیچید و به حضورش ببرید. بگوئید: این بود که در خانه داشتیم، متاعی است اندک... بدانید او می پذیرد، آخر او خیلی رئوف است، او لاله های شما را می پذیرد، مگر برایتان نگفتم فرزندانم که او وارث کریمان تاریخ است و امام قلب تاریخ است؟ راستی فرزندانم یادتان نرود که به امامتان بگوئید، پدرانمان در فراغت خیلی افسرده شدند، عاقبت پروانه صفت پر و بالشان را بدست شعله های شمع دادند و در هجران تو سوختند. نه اینکه از پا نشستند، نه، حرکت فلسفه تشیع است، شیعه یعنی پیرو امامان معصوم، امامانی که همه خونشان را در راه عقیده شان دادند یعنی که شهید شدند. سلام ما را به او برسانید. یک بار در چشمان پر فروغش خیره

شوید و بجای پدرتان بگوئید: السلام علیک یا بقیه الله. و اگر شما فرزندان، نیز به پایان زندگی رسیدید و او نیامد، به فرزندانتان

بگوئید که آنها هم، لاله های انتظار را در قلب هایشان آبیاری کنند و... همین ها که گفتیم به آنها هم بگوئید و به آنها بگوئید که به فرزندانشان... اما نه، خدایا چه می گویم، نه آن قدر دیر، نه... شاید که فردا ندایت را سر دهی: جاء الحق... وه که چه طنین پیروزمندانه ای دارد، گوئی که اکنون می شنوم، ای امام... اگر ما مظلومان، طعم مظلومیت را چشیدیم، خوب می فهمیم که تو از همه مظلوم تری زیرا که با نگاه پر نفوذت که به شعاع همه جهان است، هر جا را می بینی و از هر ظلمی آگاهی، ظلم ها را که دیدی، دریای قلب رثوفت طوفانی می شود، اما سخنی نمی توانی گفت، غیر از آن که نظاره گر باشی، آخر هنوز اجازه ظهور نیامده است... اینست که تو را خطاب کردم: ای مظلوم تاریخ. ای صاحب دعوت محمدی (ص)، ای وارث صولت حیدری، ای وارث حلم حسنی، ای وارث شجاعت حسینی، ای وارث عبادت سجادی... ای وارث هیبت عسکری. به ما گفته اند، جمعه ها که سر می رسد، دامن پرده کعبه را چنگ می زنی و ظهورت را می طلبی: خدایا اجازه ام ده... خدایا اجازه اش فرما، آخر جهان در تب و تاب است، همه جا می جوشد، همه می خروشد...

[صفحه ۹۳]

هر صبح که در زیارت وارث بر وارث انبیاء و اولیاء، حسین علیه السلام، درود می فرستیم و مصیبت شهادت او را بر تو فرزندش تسلیم می گوئیم یادمان نمی رود که بگوئیم درود بر تو ای وارث حسین یعنی که ای وارث همه انبیاء و اولیاء،

ای وارث حسین... و نیز همان وقت که دست هامان را آماده می کنیم تا با تو عهد بندیم، تجدید بیعت کنیم، می گوئیم: ای مهدی، ای امام، امروز و هر روز، آماده، جان بر کف، با عهدی تازه، گره ای محکم، نه گسستنی که استوار... اگر مرگ بین ما فاصله اندازد، از خدا بخواه که در قیام پر شکوهت ما را از قبرهایمان بیرون آورد و حال آن که شمشیرهامان آخته، نیزه هامان افراشته، کفن هامان بر تن، بر زبانمان لیک. نیز می گوئیم: خداوندا با ظهورش، پیامبرت را خشنود کن، در ظهورش تعجیل نما، ما آن را دور نمی بینیم اگر دشمن دور می پندارد، نزدیک است، قیام نزدیک است. این حماسه نگاهبانان است، بر برج نگاهبانی خویش، به شعاع عمرشان به محدوده دیدبانی شان، یعنی که در طول غیبت پیوسته پاسدار، پیوسته بیدار، همیشه هشیار. مبارزانی سخت پر کوش، با تقوا، تسخیر ناپذیر. در سنگر مرجعیت، در مقام تحقیق، با شمشیر قلم، با خنجر زبان، با سلاح صبر - یعنی که مقاومت - چه بعنوان پیشوا، چه در مقام مسلمانی عادی، همه جا، همه کس با ویژگی های انتظار، پاسدار و مبارز، همه دست بدست، فرهنگ اصیل اسلام را به نسل ها سپردند و این گونه به ما رسید و ما به دیگران.

[صفحه ۹۴]

همگی راغب دولت کریمانه مهدی، که اسلام را عزت و بزرگی بخشد و نفاق و کفر را فرو آورده نابود کند. در دستی شکوه به خدا، از دردها، از مصیبت ها. گله و شکوه از فقدان پیامبر، غیبت رهبر، زیادی دشمن، کمی یاور. و در دستی دیگر، ایمان

و

انتظار، تقوی و مرزبانی، پاسداری و نگاهبانی.

پس حماسه‌ها را بسزائید ای حماسه‌گران، ای نگاهبانان، ای منتظران. در شیوره‌های آماده باش خویش، فریاد العجل یا صاحب - الزمان را حتی بگوش دورترین ستاره‌ها هم برسانید آخر آنها هم منتظرند، تکوین در انتظار است، تشریح مترصد است، جهان چشم براه است. حماسه سر دهید که او می‌آید، او باید بیاید، این وعده خداست. پس اینک، اسب‌ها را زین کنید، سلاح‌ها را آماده کنید، چکمه‌ها را بپوشید، دست‌ها را بالا زنید، آماده باشید، شاید که تا لحظاتی چند او شما را بخواند، او بیاید، او به پیش و شما به دنبال... راستی آیا وضوی شهادت گرفته‌اید؟ عطر زده‌اید؟ لاله‌هایتان را آورده‌اید؟

غروب شنبه نوزدهم ربیع الاول ۹۹

پاورقی

[۱] موسوی گرما رودی، من شعر شیعی ام، دفتر دوم نشریه فلق، ص ۸۴.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹